باب بمعرفت طر [illegible] قبله مرضیه اهل اسلام
افاق خلق الله رضی الدین [illegible] مشتمل بر تحقیق حقایق سمت مطلب شریف
و منطویه بر اظهار دقایق این [illegible] بیان معرفت دین سلام استقصا ی شود
بر اتباع سر ضمون سشت و کز [illegible] ایه برین صراط مستقیم حق و صواب و
این رساله مبنی شد بر چهار رکن [illegible] و هر رکنی که تنبیه مطالب آن مرتب گردید
بر چند فصل دوستی شد تقبیه [illegible] اصاف این است دار کتاب تطبیع گردد
با بر خطابا واقف شده شرف [illegible] رکن اول در بیان حقیقت قبله
و ما بیانیه بها و دراین چهار [illegible] تصویر وضع کعبه مبارکه و تمهید بعضی از
مقدمات بر آنکه کعبه معظمه [illegible] چهار ضلع و چهار رکن است از ارکان ایلا
و حجر الاسود بر آن نصب [illegible] عراق چنانکه تصریح کرده اند ما مثابت
و وجه آن با وجه تسمیه سایر ارکان [illegible] طواف بعد از چهار ذراع شرع از این رکن
باب کعبه معظمه است و عرض [illegible] این ضلع که از میان باب تا رکن
بعضی از اعراق و بعضی از شا [illegible] است و مجموع این ضلع [illegible]
بیست و چهار ذراع و شبری بود [illegible] آن عرض این و میراب [illegible]

باب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کتاب

قبلة الآفاق

بیست و دو ذراع است و عرض کعبه معظمه که ضلع ثالث که از رکن غربی مذکور تا رکن یمانی است
نظیر و موازی ضلع اول است و ضلع چهارم که از رکن یمانی تا رکن حجر الاسود است در نظیر ضلع ثانی است
بیست و یک ذراع است و تقریر این شبر از نظر چون کذشت و وضع کعبه معظمه نسبت بمیان آن است
که رکن حجر الاسود محاذی است مشرق اعتدال قطع یکجانب جنوب مایل است بعینها از مشرق اعتدال
محاذی مابین جنوب و حجر الاسود واقع شده و اقصد وضع و ابناء ارکان و اضلاع بمقابله [illegible]
[illegible] با طرف کعبه معظمه متفاوت در ضیق و وسعت و شبیه این حایط است حایط حرم
کعبه و مسجد الحرام [illegible] چنانکه مشهور است و در روایتی وارد شده است و تقریر حرم
از طرف یمین کعبه چهار میل [illegible] و از جانب یسار که رکن ثالث و [illegible]
بامهات تعریفه [illegible] حرم [illegible] بر این وارد [illegible] و عبارت
از چهار فرسخ است فصل [illegible] در تحقیق [illegible] در عرف اهل شرع عبارت است از آنکه
وجه [illegible] مکلف [illegible] یا [illegible] در حال صلوة یا [illegible] در حال
احتضار و دفن اموات یا [illegible] در حال ذبح و نحر آن از نزد محققین فضای کعبه معظمه است از انتهای
ارض تا [illegible] آسمان [illegible] در صحت صلوة فوق جبل ابی قبیس و
[illegible] و از این فضا تعبیر بعین کعبه [illegible] و تفصیل این مقام این است که در قبله قریب

بعض

بعضی بعضی شاید یا در حکم شاید خلافی است در میان اهل اسلام که عین کعبه است و در قبله بعید
مشهور آن است که جهت کعبه است چنانکه مذهب سید مرتضی و ابن جنید و ابی الصلاح و ابن
ادریس و علامه حلی و جمهور متاخرین است و قول دیگر آنکه قبله کسیکه در حرم است مسجد الحرام است
و قبله خارج از حرم حرم است و این مذهب جمعی از متقدمین است و شیخ طوسی در خلاف
بر این رفته است و در طبق این روایات نیز نقل کرده شده چنانچه از حضرت صادق علیه السلام مرویست
و ان الله جعل الکعبة قبلة لاهل المسجد و جعل المسجد قبلة لاهل الحرم و جعل الحرم قبلة لاهل الدنیا و ایضا
از آنحضرت مرویست البیت قبلة لاهل المسجد و المسجد قبلة لاهل الحرم و الحرم قبلة للناس جمیعا و شیخ
در جواب این منع اجماع و صحیح در صحت نموده و از مرود در مطلب خود تمسک بظاهر آیات شریفه و بعضی
روایات نیز نقل نموده و تفصیل در کتب مبسوطه مذکور است و شیخ شهید رحمه الله در کتاب تفصیه
و قبیح [illegible] و رفع خلاف کفته و شاید ذکر مسجد و حرم اشاره بجهة باشد و مؤید این است آنچه
مغربی کفته که لفظ مسجد الحرام در آیه شریفه اشاره بجهة کعبه است چه اتفاق است که قبله خارج
مسجد الحرام است و تحقیق آن است که شاید مراد از مسجد و حرم در قبله بعید عین مسجد یا حرم
باشد زیرا که بنا بر این وقوع حرج و تکلیف بما لا یطاق ظاهر است چه ممکن نیست بر جمیع اهل حرم
تحصیل مواجهه عین مسجد و همچنین بر جمیع خارج از حرم تحصیل مواجهه عین حرم پس مکلف

از مسجد و حرم اعم از عین یا جهة انها باشد و این در مطلق جهة کعبه در حق مسافرین است و حجت ظاهر
آنکه علامه صاحب رحمه الله در مختلف گفته که توجه کعبه یا جهت کعبه از بعید مستلزم توجه بمسجد و حرم نیست
شارح باین تحقیق است و نصبت علامت است از شارع در قبله بعید چنانکه مذکور خواهد شد و تحصیل
جهة میتوان بتعیین غیر آنست و این ظاهرست و نصب قبله کسی در محاذی مسجد یا از حرم یا در محاذی
حرم باشد از خارج حرم بحیثیتی که شاهد کعبه یا در حکم شاهد نیست مفقود و شرط [illegible] توجه بعین کعبه
[illegible] جهت او قبیل باشد ظاهرست و همین کعبه است نه مسجد و حرم پس بنابراین
[illegible] خارج [illegible] خارج از حرم [illegible] صحیح نباشد و اگر کسی فرق کند
در بعید جهة کعبه از مسجد و حرم بقصد [illegible] بعید لازم است و توجه
بمسجد یا حرم کند جواب آنست که قصد توجه یا توجه [illegible] و تحصیل توجه حقیقی [illegible] از انها در
بعضی صور ممکن نه چنانکه بیان خواهد شد و اگر مراد [illegible] تحصیل ظن [illegible] در قبله کافیست و قبله که تحصیل علم
میسر نیست در بعیدی که ممکن باشد [illegible] تحصیل توجه حقیقی بعین مسجد یا حرم از روی علم کافیست
یا دلالت تحصیل توجه بانها از روی ظن [illegible] تحصیل ظن [illegible] از انها [illegible] باشد و بلاد بعیده مذکور
ممکن است [illegible] تحصیل [illegible] مفقود [illegible] واقع است و به جهة چند و سنخ از مسجد و
چندان مرحله از حرم [illegible] تحصیل ظن [illegible] توجه بمسجد یا حرم بالکلیه مفقود است چنانکه

ظاهرست

ظاهرست بر متامل و فرق میان تحصیل ظن مذکور و تحصیل قطع بانکه کعبه واضح است چه
بلاد بعیده نیز بعضی آن وسیع زمین چنانکه مشهورست کلما ازداد البعد ازداد المحاذات تا
پس در قصیا بلاد مفقود و اللازم عیانست که در حق جمیع فرض ایشان تقلید عارف بعلامات
و امارات است از عمی و شبه یا چنان که در کتب [illegible] مذکورست پس در حکم [illegible] توجه بکعبه در حق
بعید چون شرط [illegible] ثالث در تعریف جهة کعبه شیخ بهاء الدین [illegible] در [illegible] تحقیق جهة قبله [illegible]
از فقها و متاخرین جهة [illegible] و تجشمها [illegible] البلاد [illegible] جهة [illegible]
اعظم سمت یشتمل علی الکعبة قطعا او ظنا [illegible]
مذکور دیگر گفته آنست [illegible] سمت اعظم [illegible] بعض [illegible] عدم [illegible]
بلکه چنانکه در تعریف [illegible] مستقص شود [illegible] عدم خروج
کعبه از آن مقطوع باشد و عدم [illegible] در تعریف شرح قواعد شرح شرایع واقع شده
بلکه آنست که مستقص شود [illegible] در صورت عجز از تحصیل قطع
بان و اکتفا بدو قید حیث اخراج سمت است [illegible] آن بر کعبه [illegible] حق آنست
که جهة در این صورت مجموع آن سمت است [illegible] کعبه
شرط است و [illegible] رجحان [illegible]

بر آن چنانکه از تعریفین شرح مستفاد می‌شود و نیست خلاصه بدیع قید در تعریف مذکور معرفت

معرفت و این تعریف باعتبار چند حیثیت اگر از آنکه مخصوص است جهت در منتصف سمت مذکور

باز آنکه وسط آن سمت ارجح است البته از طرفین چنانکه تتبع شده از استاد دام ظله که شیخ [illegible]

در جناب [illegible] چنانکه [illegible] تحقیق جهت مذکور می‌شود و قبر [illegible] معروف دلایل و علامات

[illegible] جهت در رساله مذکوره [illegible] این که [illegible] مع التیمن من الراجح

[illegible] تعد القبلة جهة و در کتاب حبل المتین در توجیه روایت [illegible]

[illegible] قلت [illegible] القبلة [illegible] دلالت بر وسعت جهت قبله دارد که شیخ بعد المراد

بیان [illegible] الذی [illegible] عند فان تحول [illegible] القبلة سوال

المشرق والمغرب [illegible] ظاهر آیت کریمه [illegible] از توجیه

جهت قبله الی بعید [illegible] اگر [illegible]

و بنا بر این است آنکه استاد دام ظله [illegible] در کتاب صلوة [illegible] روایت شده است

[illegible] قلت لابی عبد الله علیه السلام الرجل یتحرف فی الصلوة الی الیسار فقال له لان الکعبة ستة حدود

منها حد عن یمینک فمن اجل ذلک وقع التحریف الی الیسار

[illegible] این سوال [illegible] جانب انحراف [illegible] بسیار

[illegible] مسجد [illegible] و مانند آن از [illegible] جهات کعبه است [illegible]

بجهات

[illegible] الشرق والمغرب [illegible]

بجهات کعبه دور است از افق و استقبال حقیقی به جهت از آن است و من استقبال عین کعبه است والحق

در وجه آنکه در بنای مساجد و بعضی جهت و بنای انها رو به وسط مجموع جهات کعبه است که در جاهای مسجد

عظیم بنا خلاف آن کرده شد مسجد مدینه و کوفه که معروف بعض اوقات صلوات [illegible]

موافق نصف النهار شده و قبر [illegible] مجموع جهات کعبه [illegible]

و طرف [illegible] است از طرف مدینه و عرض مدینه در جهات [illegible] است از عرض مکه و ملاحظه [illegible]

تفاوت و دلیل [illegible] قدر انحراف است پس از آن [illegible]

از مساجد و بنا ها [illegible] و معنی [illegible]

دفع اشکال [illegible] بر آن معنی [illegible] از [illegible] ابن عمر

روایت که [illegible] عن [illegible]

[illegible] مسجد [illegible] بیت [illegible]

بس طایفه از فقها این [illegible] روایت که [illegible] قبله خارج از حرم حرم است

و مناط حکم با تحباب [illegible] عراق که [illegible] بنا بر [illegible] اصحاب در [illegible]

عراق است و طایفه دیگر بنا بر آنکه جهت کعبه را [illegible] و [illegible]

و مع هذا توجیه استحباب انحراف بعید را [illegible] تحریف عنه [illegible]

[illegible]

عماد بر هیچیک ازین دو روایت نمیتوان ساخت و آنچه بعضی ازین طایفه بوجوه تصدیق نموده است

مذکوره فتوی باستحباب تیاسر اهل عراق داده‌اند توجه آن خالی از اشکال نیست و مباحثه در این مقام میان

محقق طوسی و شیخ ابوالقاسم صاحب رحمهما الله واقع شده مشهور و در کتاب مدارک و غیر آن مذکور است

و تحقیق آنست که حکم طایفه اول باستحباب انحراف اهل عراق هرچند قطعی باشد مستلزم حکم باستحباب حرکت

اگرچه جهت حرم است بعد از آنکه [illegible] حرم قبله از انحراف بیان لکنه اگر فرض کنیم که توجه بمصنع در کوفه

مثلا [illegible] بلاد عراق است که محاذی [illegible] حدود حرم باشد و بعد رسیدن صبح و اقتدا ازان قدر

[illegible] در [illegible] مقام مصلی و مسجد او تخمینا

[illegible] در سمت تو دیگر از کوفه تا حرم تخمینا [illegible]

چهل و پنج [illegible] قریب [illegible] در سایر بلاد عراق

تفاوت فاحش [illegible] در علامات قبله بلاد که در باب [illegible] از ائمه هدی صلوات الله

منقولست با اتفاق فقها [illegible] قبله عراق [illegible] محمد بن مسلم از احدهما علیهما السلام روایت کرده

[illegible] فقال ضع الجدی فی قفاک و صل و در این روایت اگرچه تصریح بقبله اهل عراق نیست

اما قرینه [illegible] محمد بن مسلم [illegible] قبله اهل عراق [illegible] و صدوق رحمه الله نیز شبیه باین روایت

در کتاب من لا یحضره الفقیه ذکر نموده که ان رجلا قال للصادق علیه السلام انی اکون فی السفر و لا اهتدی

للقبلة

للقبلة فقال اعرف الکوکب الذی یقال له الجدی قال نعم قال اجعله علی یمینک و اذا کنت فی طریق الحج فاجعله

بین الکتفین و [illegible] در روایت پیش از روایت و [illegible] درین روایت پیش از روایت

سابقه پس فقها رحمهم الله بمساعدت علم هیئات علامتی چند بجهت قبله بعضی تعیین کرده‌اند و در کتب

مشهور مذکور است مانند گرفتن جدی در پس دوش راست و گرفتن آفتاب وقت زوال

بر طرف ابروی راست [illegible] و گرفتن مشرق و مغرب [illegible] و گرفتن [illegible] در شب [illegible]

وقت غروب آفتاب [illegible] در شب چهاردهم [illegible] نصف شب [illegible] وقت طلوع فجر [illegible]

بین العینین بجهت اهل عراق مانند گرفتن جدی [illegible] وقت طلوع [illegible] بین العینین

و وقت غروب آن بر چشم راست [illegible] مانند گرفتن جدی بین العینین و گرفتن [illegible]

وقت غروب [illegible] میان کتف [illegible] بجهت اهل [illegible] مانند گرفتن جدی بر گوشه چپ بجهت اهل مغرب باید

دانست بنا بر ان علامات و اعتماد بر اینها [illegible] اهل عراق مثلا بآخر آن [illegible] باشد

با تفاوت چندین درجه [illegible] ماه که همیشه در وقت

غروب آفتاب در شب هشتم مثلا در یک مکان نمی‌ماند [illegible] تقدم و تاخر [illegible] بعضی از آن

با دیگری اختلاف دارد مانند گرفتن مشرق و مغرب [illegible] نقطه حرکت

مخالفست با علامات دیگر [illegible] مغرب [illegible] در اصلاح این اختلاف

فصل رابع — در علامات قبله بلاد

عراق و این قسم که گفته شد علامات اهل سه جهت از اوسط عراق مانند بغداد تعیین کرده شد و علامات دیگر سه جهت
اطراف غربیه آن مانند [illegible] و دیگر جهت اطراف شرقیه آن مانند بصره علامات دیگر ذکر کرده اند که آن گرفتن
جدی است بر گوش راست و بعضی از فقها در علامات این جهت بصره تعیین کرده اند تفاوت مقتضای
سمت قبله بصره داشته است چه گرفتن جدی بر گوش راست موجب استقبال مغرب اعتدال است بلکه کنار
از آن جهت شمال است و معلوم است که انحراف قبله بصره از جنوب به جانب مغرب نصف [illegible] نمی رسد
چنانکه بعد از این ظاهر خواهد شد پس مدار این بر وجهی از تعیین است که با وجود اختلاف تفاوت نیز در کار نباید
جهت که آن متقدمین [illegible] از فقها مانند معروف بن شاذان [illegible] در رساله [illegible] ثمان
و همچنین در رساله در معرفت قبله بلاد با اسم [illegible] جهت بلاد هر طرف که معظم بلاد آن قسم
و جهت هر یک از اقسام علامات ذکر کرده اند [illegible] علامات و توافق علامات [illegible] تفاوت لکن
چون بعضی از آنها از تعریف مناسب [illegible] مذکور کرده اهل [illegible] عراق و خراسان و کیلان
و جبال و دیلم و مانند کوفه و بغداد و حلوان [illegible] تا ماوراء النهر و خوارزم و علامات ایشان گرفتن
[illegible] بر گوش راست [illegible] بر پس [illegible] راست و [illegible] مقابل [illegible] چپ و [illegible]
[illegible] راست [illegible] در وقت طلوع آن [illegible] دو [illegible] ظهور [illegible]
در [illegible] و صبا و جنوب که [illegible] قرص آفتاب وقت زوال برابر [illegible] است

ثانیهم

ثانیاً اهل مالطه و سمیساط و جزیره [illegible] مصر [illegible]
بنات النعش است [illegible] بر گوش [illegible] عند
غروب آن [illegible] و جدی [illegible]
اهل شام [illegible] و مدینه [illegible]
ایشان گرفتن بنات النعش است وقت [illegible]
[illegible] سهیل بر چشم راست وقت طلوع سهیل [illegible]
بر [illegible] و دبور بر گونه راست و جنوب در [illegible]
تا [illegible] اقصای مغرب علامات [illegible]
و [illegible] وقت طلوع آن بر [illegible] چپ [illegible]
[illegible] راست [illegible] بر چشم چپ [illegible] و صعید مصر و بلاد [illegible] علامات
ایشان گرفتن ثریا [illegible] وقت طلوع [illegible] وقت
غروب آن میان [illegible] چپ [illegible] بر چشم چپ و دبور بر [illegible]
و جنوب بر چشم راست [illegible] علامات ایشان
گرفتن جدی است [illegible] سهیل وقت [illegible] مشرق [illegible]

شمال بر چشم چپ و دبور بر گوش چپ و جنوب بر شانه راست است [illegible] باشد و بسیار از اهل شناسائی

و کابل و قندهار و علامت ایشان بنات النعش است وقت طلوع آن بر گوشه راست و ثریا وقت غروب

بر چشم چپ و سهیل وقت طلوع بر گوش چپ و مشرق بر گوشه چپ و صبا بر صفحه گونه راست و شمال مقابل [illegible]

و دبور بر گوش و جنوب میان هر دو [illegible] تمام اهل بصره و بحرین و یمامه و اهواز و خوزستان و فارس و سیستان و علامات

علامات ایشان آن که فرقد ها بر پشت وقت طلوع آن میان دو شانه و جدی بر گوش راست و [illegible] وقت

غروب [illegible] میان دو چشم و مشرق بر ابر گوش چپ و صبا بر گوش راست و شمال بر چشم راست و دبور

بر گوش چپ و جنوب [illegible] تمام قواعد [illegible] و اعتماد بر این علامات چنانکه

سابقاً اشاره رفته موافق بعضی از فقهاست [illegible] و مسامحت [illegible] جهت عین کعبه معظمه است و [illegible]

تدقیق [illegible] کمه از [illegible] اما [illegible] که با وجود قدرت بر تحصیل علم

یا ظن با قرب جهات [illegible] استقبال [illegible] در مذهب [illegible] که

که جمیع را [illegible] جهت [illegible] و [illegible] جهات [illegible]

مذکور [illegible] و [illegible] آن از روی وقت و بصیرت تعیین شده است استعلام قبله هر یک

از بلاد [illegible] و علامات مسطوره در کتب فقها [illegible] تفصیلی یافت اگرچه از وقت مذکوره

خارج است لکن اهل خبرت علم مذکور را ممکن است [illegible] اگر بلاد مشهوره علامات قرار دهند به عبار

هو بالا

ضوابط علم مذکور مطابق سمت قبله آن [illegible] از اختلاف [illegible] مشهور است مثلاً ممکن است

در هر یک از مطالع و مغارب [illegible] در ایام [illegible] به اعتبار محاذات [illegible] از جهات [illegible]

موافق افتد با سمت قبله بعضی علامات قبله [illegible] چنانکه گوئیم [illegible] اهل [illegible] شمالی

[illegible] یعنی چهار درجه تقریباً از مشرق اعتدال منحرف است [illegible]

چهار صورت مشهور است اهل استقبال آن [illegible] مطابق قبله با سمت قبله بعضی از بلاد [illegible]

و انحراف آن از نقطه مشرق بجانب شمال [illegible] و [illegible] مطابق [illegible]

سمت قبله بعضی از بلاد [illegible] باشند و انحراف آن از مغرب بجانب جنوب [illegible]

[illegible] و آن نیز مطابق [illegible] سمت قبله بعضی از بلاد [illegible] منحرف [illegible] بجانب [illegible]

چهارم محاذات آن با [illegible] و آن نیز موافق [illegible] سمت قبله بعضی از بلاد [illegible] و انحراف از جنوب بجانب

مشرق [illegible] مذکور [illegible] مطلع اول [illegible] از مشرق بجانب جنوب منحرف است [illegible]

شد عبارات مذکوره مشهور است [illegible] مطابق قبله بعضی از بلاد [illegible] موافق قبله [illegible]

سیم مطابق قبله بعضی از بلاد [illegible] چهارم موافق قبله [illegible] یا مدینه [illegible]

[illegible] و اول [illegible] نیز به اعتبارات اربعه علامات قبله بلاد مذکوره [illegible]

مذکور و برابن قیاس سایر مطالع و مغارب [illegible] هر که

تعیین سمت قبله معین باشد علامت آن است هرگاه این عبارات در مطالع و مغارب سایر کواکب مشهوره

شده شروع بیان و شروع می‌دانستیم از این جا رسالت و انتساب مجملات [illegible] استنباط فروع مفیده لطیفه از آن ممکن

گشتن جمعی بعد از این قدر انحرافات بلاد به تفصیل مذکور خواهد شد و با وجود احتیاج همه مشتمل بر ملاحظات کثیری [illegible]

اقتصار بر این [illegible] در بیان تحصیل سمت قبله بطرق مشهوره و در این چند فصل است

فصل اول در تمهید مقدمه نسبت بلاد با مکه معظمه باعتبار طول و عرض آن و مناط تحصیل مذکور است

انحراف [illegible] با در طول موافقند و در عرض مخالف یا عکس آن یا در هر دو مخالفند لا در صورت اولی

[illegible] شمال [illegible] کافی است و احتیاج باستخراج خاصی نیست و در صورت دیگر با تحدید

نقطه جنوب و شمال احتیاج [illegible] قبله از یک از این دو نقطه معلوم تواند نمود

و تعمیر و جمعی از متقدمین مانند کوشیار و غیره و بعضی از متاخرین مانند شیخ حسین عبدالصمد رحمه الله در رساله

قبله خراسان نموده‌اند و در صورت دوم نیز تحدید نقطه مشرق و مغرب اعتدال در مطالب کافی است مجملا از قیاس

صورت اولی دانسته است بنا بر آنکه فرق [illegible] ظاهر است در آنکه اولی مستلزم این است که بلد

در تحت یک نصف النهار بوده ثانیه مستلزم این نیست [illegible] بلد با مکه در تحت یک دایره السموت باشند چنانکه

مقتضای اولی آنست که سمت قبله نقطه شمال یا جنوب شد ثانیه اقتضای آن کند که سمت قبله نقطه مشرق یا مغرب شود

توضیح این فرق آنکه [illegible] بلد در طول عبارت از قوس [illegible] نصف النهار این است از نصف النهار

[illegible]

عبارت حالت [illegible] چون در این نصف النهار [illegible] با هم متقاطعند بقطبین پس بنهایت انفراج

و نصف النهار را هم [illegible] بقطبین تقاطع ثانی با معدل النهار [illegible] نصف النهار [illegible] از نصف النهار

خواهد شد [illegible] باشد لا محاله [illegible] بهم [illegible] شوند و در حقیقه هر دو بلد در طول موافقند در تحت یک نصف النهار خواهند بود و اما اتفاق

دو بلد در عرض [illegible] عبارت است از [illegible] الرأس [illegible] از معدل النهار [illegible]

عرض است و این بعد لا محاله [illegible] انفراج [illegible] السموت [illegible] معدل النهار [illegible] اگر دو بلد موافق در

عرض [illegible] مثلا در تحت یک [illegible] السموت [illegible] لازم آید [illegible] السموت [illegible] معدل [illegible]

در یک جهت [illegible] انفراج [illegible] بطلان [illegible] ظاهر است پس [illegible]

[illegible] در تحت یک [illegible] السموت [illegible] مشرق [illegible] مغرب اعتدال باشد

بلکه قبله [illegible] در [illegible] صورت [illegible] عرض [illegible] اعتدال [illegible] قبله بلاد [illegible]

منحرف [illegible] از مشرق اعتدال [illegible] شمال [illegible]

[illegible] چنانکه [illegible] قبله اول

از مشرق اعتدال [illegible] از مغرب اعتدال [illegible] درجه انحراف [illegible]

و در دو صورت از صور ثلثه که تعیین سمت قبله [illegible] احتیاج باستخراج خاصی است فصل ثانی

در طرق [illegible] مشرق [illegible] استخراج [illegible] محقق طوسی رحمه الله در تذکره ذکر [illegible]

اهل حساب و فقهای متبحر ادراک کرده‌اند و خلاصه سخن آنست که تفاوت ما بین طول بلد و طول مکه معظمه عبارتست از تفاوت
ما بین نصف النهارین ایشانست اخذ کنیم و هر درجه را از آن تفاوت [illegible] دقیقه از یک ساعت گیریم و هر پانزده درجه
قریب یک ساعت بود و برابر این نسبت اگر درجات تفاوت بیشتر بود هر چه حاصل شود زمان حرکت آفتاب
از دائره نصف النهار [illegible] درجه کنیم و آفتاب در ششم درجه جوزا یا بیست و سیم درجه سرطان بود
و آفتاب در آن روز به سمت الرأس مکه معظمه [illegible] باشد برای آنکه عرض مکه مطابق میل [illegible] از این دو صورت
نیست در آن روز قبل از آنکه آفتاب به نصف النهار بلد برسد به قدر زمان تفاوت ما بین نصف النهارین اگر بلد غربی بود
[illegible] اگر بلد شرقی باشد آفتاب لامحاله به سمت الرأس مکه معظمه خواهد بود پس در وقت
سمت ظل [illegible] قبله خواهد بود [illegible] که مناسب آن فن است در استخراج قبله
تقریر کرده‌اند و از زوایه اسطرلاب شمرده‌اند [illegible] و در تقریر اختلافی دارند و جمعی [illegible]
طریق در استخراج سمت قبله [illegible] به اعتبار حرکت خاصه آفتاب [illegible]
تقلیب این تفاوت علما این فن [illegible] که از چند عیب خالی نباشد اول آنکه استخراج سمت قبله [illegible]
به طریق [illegible] بلکه در عرض [illegible] دوم آنکه استخراج سمت قبله [illegible]
به طریق [illegible] موقوف بر [illegible] و در خارج [illegible] سیم آنکه احتیاج به شعاع [illegible]
و گاه باشد که در بعضی بلاد [illegible] آن چند [illegible] شعاع [illegible] و در اکثر بلاد [illegible]

و آن

آن دو وقت خاص [illegible] از این دو نوع موانع خالی نباشد فصل ثالث در تقریر دایره هندیه از جمله
طرق مشهوره طریق دایره هندیه است و حاصل آن بجهت تعیین جهات اربعه از جنوب و شمال و مشرق و مغرب
موضوع است و مدار اکثر فقها در تحصیل سمت قبله بر آنست و طریق استخراج سمت قبله بطریق آنست که بعد از
بعد از تعیین جهات مذکوره و رسم خط زوال و خط اعتدال [illegible] در آن
و از نقطه جنوب و شمال [illegible] تفاوت ما بین الطولین [illegible] اگر طول بلد [illegible] و جانب مشرق
شمارند اگر طول بلد کمتر از طول مکه معظمه باشد و ابتدا از نقطه جنوب و مغرب [illegible] تفاوت ما بین العرضین بجانب جنوب
شمارند اگر عرض بلد بیشتر از عرض مکه باشد و بجانب شمال شمارند اگر عرض بلد کمتر از عرض مکه باشد [illegible]
[illegible] خطی موازی خط زوال [illegible] اجزای عرضی خطی موازی خط اعتدال اخراج کنند و این دو خط
در جایی متقاطع شوند در داخل دایره پس چون وصل کنند میان مرکز دایره و نقطه تقاطع [illegible]
به محیط دایره و آن خط به صوب قبله است [illegible] و این طریق نیز قطع [illegible] در [illegible] دایره هندیه از آن
[illegible] چنانچه در [illegible] عیب دارد [illegible] عرض بلد [illegible] مکه معظمه [illegible]
در صورت [illegible] در عرض [illegible] مکه معظمه باشد در صورت [illegible]
چه با عدم اختلاف عرض چنانچه مفروض است در صورت مذکوره اخراج خط موازی خط اعتدال
[illegible] تفاوت ما بین العرضین [illegible] و حکم به آنکه در این صورت قبله [illegible]

سمت مشرق یا مغرب بسیار فاسد است چنانچه بیاید تفصیلش مذکور شود لهذا بعضی به جهت تعمیم
در طریق استخراج سمت قبله بیان طریق و طریق سابق ترکیب کرده‌اند و دیگر از عیوب این طریق آنکه
یکی از این دو خط در این دایره بمنزله خط نصف النهار رسم کرده است و فصل مشترک افق بلد و صغیره است
و دیگری نصف النهار [illegible] است و آن بمنزله نصف النهار رسم نمی‌توانند کرد چه پس از این ثابت شود که مماس
[illegible] از نقطه از معدل النهار [illegible] نقطه از نصف النهار بلد قدر ما بین الطولین است و دیگری از این جهات
یکی دایره [illegible] سمت عظیمه است نیز فصل مشترک افق بلد و صغیره است و موازی [illegible] است
[illegible] مماس مدار [illegible] بر نقطه و بعد آن نقطه از سمت الرأس بلد قدر
ما بین العرضین [illegible] و آن نقطه [illegible] مدار با نصف النهار بلد است پس [illegible] این
دو صغیره سمت الرأس بلد نمی‌گذرد [illegible] این دو خط صوب قبله توان کرد و آنچه بعضی
تقصد توجیه این مقام ذکر کرده‌اند و حاصل آن این است که اگر چه این دو خط در حقیقت بمنزله نصف النهار
افق [illegible] نمی‌توانند بود اما [illegible] در عمل [illegible] آن در دایره [illegible] ظاهر التحقیق است
چه وقتی در عمل [illegible] آن [illegible] در حاصل عمل آن مختلف نباشد و خلاف این بر شاید
ظاهر است و تحقیق این مقام این است که اگر این دایره بمنزله معدل النهار [illegible] خط [illegible]
[illegible] از نصف النهار بلد [illegible] نصف النهار [illegible] و بعد آن از نصف بلد [illegible] معدل [illegible]

لکن این دایره بمنزله افق [illegible] است و معلوم است [illegible] نصف النهار [illegible] از نصف النهار بلد از محیط افق بلد چند درجه است
چیزی که معلوم است از تفاضل ما بین الطولین قدر بعد نصف النهارین است عند المعدل با آنکه [illegible]
این دایره بمنزله معدل النهار نیز [illegible] و بعد نصف النهارین عند المعدل [illegible] ظاهر نشود [illegible]
شود چه مطلوب در این مقام تحصیل بعد نصف النهار [illegible] از نصف النهار بلد [illegible] سمت الرأس [illegible]
عند المعدل قدر بعد [illegible] در سمت الرأس [illegible] باشد چه نصف النهارین عند المعدل [illegible]
قدر [illegible] از معدل [illegible] تا آنکه عند القطبین [illegible] شود [illegible] این [illegible]
استخراج [illegible] پس از این جمله [illegible] ثالث [illegible]
[illegible] معلوم [illegible] استخراج سمت [illegible]
[illegible] تفصیل [illegible] بعضی [illegible] تحقیق [illegible] جیب و قوس
[illegible] جدید مذکور است [illegible] احتیاج دارد بجدول جیب و قوس [illegible]
از عدم [illegible] جمیع [illegible] بسیار [illegible] است [illegible]
تفریق و ضرب و قسمت و غالب خالی از غلط [illegible] اطلاع بر برهان از آنکه
موجب اطمینان شود [illegible] استخراج سمت قبله
وضع شود [illegible] برهان [illegible] احتیاج [illegible]

استخراج سمت قبله بلاد از آن و بیان معرفت طول و عرض از آن مشاهده توان نمود در چند فصل بیان می‌شود فصل اول

در کیفیت این آلت جسمی کروی از چوب یا فلزات یا غیر آن اختیار کنیم و آن را کره ارض فرض کنیم و بر او دو دایره عظیمه

متقاطع بر زوایای قائمه باشند رسم کنیم به حیثیتی که سطح کره مذکوره بدین دو دایره چهار ربع متساوی منقسم شود

و هر یکی محاط باشد به نصف دایره عظیمه پس یکی از آن ارباع را ربع معمور ارض فرض کنیم و یکی از آن

دو نصف دایره را که این ربع محیط است بر آن نصف خط استوا و جهت جنوب این ربع فرض کنیم و مبدأ

عرض بلاد [illegible] و دیگر را نصف دایره که بر سطح ارض متوهم می‌شود و از نصف النهار جزایر خالدات

[illegible] نصف این نصف را از این دایره نشانه کنیم و به منزله شمال [illegible] و نصف

این نصف مقابل آن [illegible] به منزله نصف خط استوا است بعده

هشتاد قسمت کنیم بعدد درجات نصف عظیمه و ابتدا از نقطه تقاطع خط با خط نصف النهار

جزایر از جانب مغرب ربع مذکور نموده صورت عدد درجات را بر اقسام رسم کنیم این درجات

طول است پس جسمی دیگر [illegible] چنانکه آن موافق عظیمه این کره [illegible] کنیم و از [illegible]

[illegible] کره [illegible] بهر گاه کره را در جوف آن [illegible]

[illegible] سطح عالی این جسم [illegible] موافق عظیمه کره است

[illegible] قسمت کنیم و یکی از آن ارباع [illegible] قسمت کنیم بعدد درجات عظیمه

عدد درجات

عدد درجات را بر اقسام رسم کنیم و این درجات عرض است پس بحسب عدد این درجات طول

هر بلدی که خواهیم موضع بلاد مشهوره را بر سطح ربع مذکوره از کره رسم کنیم به طریقی که عرض و طول بلاد

از زیجات صحیحه معلوم نموده هر بلدی که خواهیم موضع آن را در این ربع معلوم کنیم با ابتدا درجات عرض

بر درجه [illegible] مذکوره [illegible] و این ربع است منطبق [illegible] آن منطبق [illegible]

پس نقطه در ربع مذکور از کره [illegible] درجه عرض [illegible] موضع [illegible] نشان کرده رسم [illegible]

بر آن رسم کنیم و این جسم [illegible] بر بلد [illegible] نصف النهار [illegible]

استوا و میان نصف النهار و نصف النهار جزایر است و بر کره رسم [illegible]

[illegible] جسم [illegible] مذکور [illegible] در میان [illegible] ارض [illegible] موضع [illegible]

از بلاد [illegible] در این ربع تعیین کنیم و بجهت استعلام [illegible] مسافت بین البلدان [illegible] کره مذکوره

[illegible] ربع [illegible] ارباع جسم [illegible] مذکوره بعدد [illegible] ربع عظیمه [illegible]

[illegible] قسمت کنیم و اگر خواهیم [illegible] در این ربع کره مذکوره بلاد هر یک از اقالیم [illegible]

باشد عرض [illegible] معلوم [illegible] مذکور را با قائم قسمت کنیم پس

این کره نمونه [illegible] ارض و بلاد [illegible] بر ربع معمور ارض است و مناسب [illegible] البلاد [illegible]

از دوایر [illegible] از آن چنانکه [illegible]

با هم کعبه قرب و بعد جهت هر یک از دیگری ظاهر شود فصل ثانی در طریق استخراج سمت قبله از کره
مجمع البلدان چنین در فصل سابق مصور شد که جسم در این مذکوره چون آن بمنزله دایره عظیمه کره مذکوره است
هرگاه بر بلاد قطبین وضع شود بمنزله نصف النهار بلد شود پس هرگاه ابتدای یکی از ارباع از بلد بگذاریم
ابتدای جنوب از ارباع که محاذی سر شخص از کره افتد آنچه محاذی ابتدای ربع جنوبی بلد افتد آنچه محاذی ابتدای
ربع شمالی افتد نقطه شمال بلد شود پس اگر بلد در طرف مکه معظمه موافق لامحاله چنان که دایره بلد
بکعبه معظمه بر مکه معظمه نیز بگذرد و خطی که ظاهر شود در سمت قبله بلد مذکوره نقطه جنوب است اگر عرض بلد بیشتر
[illegible] نقطه شمال است اگر عرض بلد کمتر از عرض مکه باشد و اگر بلد با مکه معظمه در طول مختلف باشد
و دایره مذکوره بر مکه معظمه نگذرد قبله بلد لامحاله منحرف شود از جنوب یا شمال بجانب شرق یا مغرب
بحسب اقتضای بلد با مکه معظمه پس بعد از آنکه بجهت تعیین نقطه جنوب و شمال بلد دایره نشانی کنیم
دایره مذکوره با حفظ مسامت ابتدای یکی از ارباع آن بلد بعینه بگذاریم و بر مکه معظمه نیز بگذارد پس
در فوق موضعی از کره که محاذی ابتدای ربع جنوبی شده منتصب باشد آن ربع است درجه مکه معظمه سمت قبله
بلد شد از موضع ملاحظه کنیم دایره را که گذاشتیم تا بر هر درجه بگذرد بعینه از ابتدای ربع مذکوره مغرب
درجات بر یکی از آن دو نشان شد تا معلوم شود ما بین این دو نشان چند درجه است اگر نود درجه
[illegible] سمت قبله بلد موافق خط نقطه مشرق یا مغرب اعتدال و اگر کمتر باشد عدد درجات

ضبط

ضبط کنیم و آن قدر انحراف قبله بلد است از نقطه جنوب یا شمال بجانب مشرق یا مغرب و اگر بیشتر
برین قیاس و چنین تعیین جنوب یا شمال بلد یکی از طرق است و در تحصیل آن تقریب در کمال
سهولت است بعد از معرفت قدر انحراف بلد از شمال یا جنوب سمت قبله بلد معلوم فصل ثالث
در فواید چند که از کره مستنبط میتوان شد از آنجمله آنکه بعد از تصویر وضع کعبه معظمه و اضلاع و ارکان آن چنانچه گذشت
اشاره شد بر کره مذکوره و توهم اقصر خطوط از هر بلد بوسط آن بمساعده دایره مذکوره استنباط میتوان کرد که
مواجه اهل هر بلد در قبله بکدام جزء از کدام ضلع کعبه معظمه است چنانکه مستفاد میشود
مثلا اهالی رکن عراقی و میزاب است به جهت [illegible] از نقطه سمت قبله
هشت ذراع و نیم است و سایر بلاد برین قیاس و از آنجمله آنکه در آداب بعضی از زیارات در بعضی از
از احادیث وارد شده و زیارت بعید در هر موضع و شهر رو بسمت کربلای معلی کرده زیارت بجا آورد پس
جهت احتیاج افتد به تعیین سمت کربلای معلی و طریق استخراج سمت مذکوره و تعیین انحراف آن از قبله
بلد بالمساحت آن بعد از معرفت آنچه در بیان استخراج سمت قبله از کره مذکوره تقریر شد در کمال سهولت است
مثلا مستفاد میشود که در بلد تبریز سمت کربلا منحرف است از جنوب بجانب مغرب قریب پانزده درجه
و چنین انحراف سمت قبله آن چنانکه ظاهر خواهد شد از جنوب بجانب مغرب قریب شصت و نه درجه است پس سمت کربلا
در اینجا بقدر یک درجه از سمت قبله منحرف است بجانب جنوب و در قزوین سمت کربلا قریب نه درجه

منحرف است از جنوب بجانب مغرب و در مشهد مقدس رضوی سمت مذکور قریب شصت و هشت درجه
منحرف است از جنوب بجانب مغرب است قبله آن قریب بیست و چهار درجه منحرف شده بجانب مغرب
و در صفاهان قریب ده درجه از مغرب اعتدال بجانب شمال منحرف است و تفاوت آن با سمت قبله
اینجا قریب ... درجه ... از قریب شصت و شش درجه از مغرب اعتدال بجانب شمال منحرف است
و قدر تفاوت با سمت قبله آن تقریبا پنج درجه ... و بر این قیاس قدر انحراف است سمت مذکور
... در سایر بلاد باجهات دیگر آن با اندک التفات از کره مذکوره مستنبط می توان شد و ظاهر در
... چنان استخراج سمت قبله از قوم فوت شده هیچیک از آن واقف نیست در این مطلوب
چنانکه بر ناظر ظاهر و هویداست و از جمله استعلام قدر بعد هر یک از ممالک است چنان که
از کره مذکوره با تمام معلوم می توان کرد که مملکت خراسان مثلا کجا کجاست با عرض چه قدر است و طول
عرض ایشان با هم چه نسبت دارند و از هر جهت بکدام مملکت مجاورت و مانند آن و از آن جمله تحصیل
معرفت قدر مسافت ما بین البلاد است ... هر دو بلد معرفت بعد ما بین ایشان مطلوب شد
دایره مذکوره را بر کره چنان وضع کنیم که بر هر دو بلد بگذرد بعد از آن قوس از ربع منقسم از ارباع
در میان بلدین افتد و عدد درجات ما بینهما معلوم می شود و بمنزله آن شد ما بین بلدین را
... باشند و اگر مسافت ما بینهما ... باستعانت انضمام بعضی از سایر

ارباع

ارباع دایره مذکوره احتیاج افتد و مخفی نماند که بعضی در طریق استعلام مسافت ما بین البلدین خیالی کرده اند
و فساد آن ظاهر است بیان آن اینکه شیخ بهاءالدین رحمه الله در حاشیه تشریح الافلاک گفته

... کشف این
مضمون بسیار از بعضی حواشی ... جدید نقل نموده ... خلاصه آن این است که تفاضل ما بین البلدین
طولی اگر ملاحظه شود ... میان نصف النهارین بلدین و تفاضل عرضی بقوس ... میان اول ...
... نصف النهار با اول السموات متقاطع ملاحظه شود ... زاویه ... قائمه ...
پس در این قائمه بعد مسافت است میان این دو بلد ... قدر ضلعین ... باعتبار درجات
معروف قدر طول و عرض و تفاضل ما بین البلدین معلوم است و ... قدر مسافت ... معلوم است
... دو ضلع ... پس باستعانت شکل عروسی استخراج قدر وتر زاویه ... بعد مسافت
معلوم می شود چه برهان شکل مذکور دال است بر آنکه مجموع مربعی ضلعین قائمه مساوی مربع وتر است
این است تقریر خیال مذکور و عجب است که فساد این خیال با جلالت متفطن نشده اند و ...
بعون الله فساد این سخن بصورت نقض جلی ان بیان کنیم اما نقض آنکه هر گاه دو بلد فرض کنیم
که تفاضل ما بین الطولین ... شصت درجه ... تفاضل ما بین العرضین شصت درجه ...

درعرض نه و هشتاد و سه درجه است و عرض دیگر هشتاد و نه درجه است پس چون مربع تفاضل ما بین العرضین
شصت و چهار درجه و مربع تفاضل ما بین الطولین سی و شش درجه میشود و مجموع آن صد درجه است
و جذر آن ده است با تسیر و بنا بر ضابطه مذکوره بعد مسافت ما بین دو بلد قریب مسافت ده درجه است
با آنکه البته کمتر از شانزده درجه است چه بعد مسافت میان ایشان بر این تقدیر قطر و اعلاء مثلث است
و یکی از ساقین آن هشت درجه است یعنی ما بین العرضین و عرض تسعین [illegible] یکی از ساقین است در طول
تفاوت ما بین دو بلد [illegible] و عرض تسعین و مجموع این دو ضلع [illegible] درجه میشود و هرگاه مجموع ساقین [illegible] درجه
[illegible] بعد مسافت ما بین [illegible] البته اقصر است اما حال آنکه تفاضل طولین قوسی از مدار [illegible]
بین نصف النهارین نیست بلکه قوسی از معدل النهار است محصور بین نصف النهارین پس در دو بلد
دیگر از آن به نفس معدل یعنی بر خط استوا هر دو واقع باشند چه قوس مذکور در این وقت یکی از
اضلاع مثلث مذکور است اما اگر هر دو بلد در آفاق مایله باشند متصور نیست که قوس مذکور
ضلع این مثلث واقع [شود] چه هیچیک از طرفین قوس در خلاف هیچیک از آن دو بلد منتهی نمی شود
و در این وقت قوسی که صلاحیت ضلعیت مثلث مذکور دارد قوسی است از دایره صغیره موازیه معدل
النهار که محصور است میان نصف النهارین مذکورین و قدر مسافت این قوس اقصر است البته از قوس
معدل النهار که مناط تفاضل ما بین الطولین است [illegible] انفراج میان نصف النهارین است چه نصف النهارین

النهارین

[illegible]

النهارین مذکورین چنانکه از معدل النهار دور می شود متقارب میگردند تا آنکه در قطبین با هم تقاطع کنند پس قدر ارکان
قوس صغیره مذکوره همان قدر قوس معدل النهار عظیمه نیست و آنچه مطلوب است قدر [illegible] درجه
[illegible] در فرسخ کسر است مراد درجات عظیمه است و درجات صغیره موازیه آن در کمی یکی نمیرسند
و محسوس نباشند چنانکه در حوالی ارض تسعین است یعنی اگر دو بلد در عرض مختلف نباشند یعنی اختلاف
طول داشته باشند اگر بر نفس خط استوا باشند قدر بعد مسافت ما بینهما قدر فرسخ مقرونه بالفضل طول است
یعنی هر درجه [illegible] فرسخ کسری هر چند از معدل النهار دور شود قدر مسافت بینهما با وجود بقای تفاضل در طول
طول کمتر می شود تا بجایی که [illegible] معتد به نداشته باشند مثلا اگر دو بلد بر خط استوا باشند و تفاضل ما بین الطولین
ایشان نود درجه باشد قدر بعد مسافت ایشان [illegible] هزار [illegible] فرسخ است و اگر دو بلد [illegible] تفاضل در طول در
حوالی ارض تسعین باشند تواند بود که بعد میان ایشان یک فرسخ [illegible] هر دو بلد در طول اختلاف
نداشته باشند و منحصر شود اختلاف ایشان در عرض یعنی هر دو در تحت یک نصف النهار باشند قدر بعد مسافت ایشان
همان قدر [illegible] است [illegible] فرسخ تفاضل ما بین العرضین و فرق میان این دو صورت ظاهر است
چه در صورت سابق تفاضل طول باعتبار قوس معدل النهار است و مفروض آنست که دو بلدین
بر نفس معدل النهار یعنی بر خط استوا نیستند بلکه در تحت صغیره [illegible] موازیه معدل النهار پس لا محاله قدر
صغیره صغیره مذکوره مسافت کمتر میشود [illegible] و در این صورت تفاضل عرض باعتبار قوس نصف النهار

و هر بلد که واقع در خطی باشد در تحت نصف النهار هر دو را بنحوی که تفصیل معروف شد تفصیل بلاد را
نسبت بهمچنانکه خواهند معلوم کنند و از بلدی به بلدی که کدام نزدیکتر است و هر کدام بسمت مستقیم
از بلدی به بلدی رو به سه راه بر کدام بلدی واقع شده و از حوالی کدام بلد می گذرد و هر بلدی از سمت مستقیم
چه مقدار دور است و کدام راه نزدیکتر است چنانکه گوییم از بلده قم [illegible] مثلا آنکه بسمت مستقیم مکه
معظمه دور تر از آنکه مذکوره مستفاد می شود و بلده قم در سی فرسخی بلده سبعه [illegible] فرسخ
محاذی بسیار راهست و بلده همدان در سی و پنج فرسخی بعد سی فرسخ محاذی [illegible] و بلده کاشان
[illegible] فرسخی بعد چهل فرسخ بسیار و بلده اصفهان در شصت فرسخی بعد شصت و پنج فرسخ بسیار
و بغداد در نود فرسخی بعد شصت فرسخ بسیار و شوشتر در صد و پنجاه فرسخی بعد سی فرسخ بسیار و بصره
در صد و چهل و پنج فرسخی بعد چهل فرسخ بسیار و کوفه در صد و پنجاه فرسخی بعد پنجاه فرسخ
بیمین و قطیف در دویست و سی فرسخی بعد صد و بیست فرسخ بسیار و لحسا در دویست و هفتاد
فرسخی بعد نود فرسخ بسیار و مدینه مشرفه در سیصد و ده فرسخی بعد چهل و پنج فرسخ بیمین و [illegible]
در سیصد و ده فرسخی بعد هشتاد فرسخ بیسار و از محاذات مدینه و [illegible] تا کعبه معظمه
شصت فرسخ است و مجموع مسافت مستقیمه از قم [illegible] تا مکه معظمه سیصد و هفتاد فرسخ تقریبا
و این جمله در نهایت سهولت است با آنکه شمه ای از آنکه مذکور است استخراج می شود و کمال نسبت

و اثر دیگر

و اثر دیگر با امر بلاد مشهوره بر تقدیر صحت حساب [illegible] و فا باین نوع استخراج ثلاثه نمود و بالله التوفیق
[illegible] در تفصیل بعضی از امور مستخرجه از آنکه مجمع البلاد و آنچه مناسب آن است چنین تفصیل کرده
مذکوره و وجه استنباط فوائد این همه که در رساله در همه نسبت مناسب دیده بعضی از آنها را اهتمام بیان
[illegible] مانند سمت قبله بلاد مشهوره و موضع توجه هر بلدی از حد دو کعبه و تقریب مسافت میان شهرها
از آنکه مذکوره استخراج نموده در طی رساله تفصیل مذکور کرده و چون در حال تحریر این رساله هنوز معین نشده بود
در صفحه که مذکوره وقت و اهتمام تمامی [illegible] خیال تفاوت قبله بلاد و واقع [illegible]
ایراد این فواید است پس اگر بعد از تدقیق تفاوت قلیلی ظاهر گردد موجب قدح در حسن وضع
این آلت نیست بلکه راجع به تقصیر در صنعت و مسامحه در عمل می شود و مع هذا در حصول مطلب
[illegible] بعنوان تخمین قریب به صوابست چه هر چند خیال دقت بکار رود که [illegible]
بعنوان تحقیق از عهده [illegible] خارج فصل اول در ذکر سمت قبله بلاد [illegible]
بعضی از بلاد [illegible] موافق مکه معظمه [illegible] سمت قبله آنها را احتیاج به استخراج ندارد بلکه اگر [illegible]
از مکه معظمه یعنی در عرض کمتر از [illegible] سمت قبله نقطه شمال است و اگر شمالی است یعنی عرض آن بیشتر
نقطه جنوب است و بلدیکه موافق تمام در طول با مکه معظمه داشته باشد در میان بلاد مشهوره [illegible]
لکن بعضی از بلاد بسیار قریب الطولست بمنزله موافق الطولست مانند صنعا

دار الملک یمن در جانب جنوب مکه معظمه واقع است و ارض الروم در جانب شمال آن پس باید که هر کدام در طول

از مکه بچند دقیقه کمتر است انحراف قبله آن از شمال یا جنوب بجانب مشرق قدری معتد به نباشد پس تعیین

قبله اول بنقطه شمال و ثانی بنقطه جنوب می توان کرد و قبله سایر بلاد چنین از این دو نقطه بعضی اختلاف معتد

به منحرف قدر انحراف آنها را از کره مذکوره استخراج نموده بجهة عدم اعتبار کسور قبله بعنوان استقا

دقایق کسر از نصف درجه را ترک نموده و [illegible] آن یعنی وضع آن بجای یک درجه صحیحه چنانکه متعارف اهل

حساب است کرده می شود و چون اکثر بلاد مذکور نسبت بمکه شمالی است یعنی قبله آنها بنقطه جنوب نزدیک تر است

از شمال مناسب [illegible] که ابتدا [illegible] نماید [illegible] قبله آن بنقطه جنوب اقرب است یعنی انحراف اقل باشد

و بترتیب الاقل فالاقل فالاکثر یعنی و اقل انحراف مقدم می شود بر استخراج انحراف در همه مراتب وضع

طبیعی بوده از بعضی [illegible] پس از آن قدر انحراف بلاد را از نقطه جنوب ذکر کند تا بنقطه مشرق رسد

و بعد از آن چنین بنقطه شمال نزدیک تر شود و کمتر انحراف بنقطه شمال نموده به ترتیب الاقل فالاقل تا بنقطه

شمال و بعد از آن به ترتیب الاکثر فالاکثر تا بنقطه مغرب و بعد از آن چنین باز بجنوب نزدیک تر

می شود بترتیب الاقل فالاقل تا بنقطه جنوب و رعایت این ترتیب در این جدول صیانت از فساد و غلط

کتاب بعمل می آید چنانکه ظاهر است و بجهة تاکید بعضی بلاد را که قدر انحراف از یکی از این دو نقطه

جنوب یا شمال مناسب دید در تمام قوس انحراف را نیز بعبارت لایق آن

قوس بر

قوس بین تا مشرق یا مغرب ذکر نماید هر چند که مستغنی عنه است تا اگر کاتب سهو در کتابت از آنها

سهوی واقع شود قرینه دیگر بر تصحیح توان نمود و اگر در آن به قدر انحراف مساوی شوند شعار [illegible]

که شیوه و چنین معلوم شد که انحراف باعتبار جهات اربعه چهار نوع است بلاد مشهوره در طی چهار قسم

مفصلا مسطور گردد قسم اول بلادیکه انحراف قبله آنها از نقطه جنوب [illegible] بجانب

[illegible] مذکر شود از بلاد [illegible] قدر قوس انحراف قبله آن از نقطه جنوب بجانب مشرق [illegible] درجه

[illegible] قبله آن تا مشرق [illegible] درجه است [illegible] از جنوب [illegible] درجه تا مشرق [illegible]

[illegible] درجه [illegible] از جنوب هفده درجه تا مشرق [illegible] درجه انطاکیه از جنوب [illegible]

درجه تا مشرق [illegible] یک درجه ملطیه از جنوب [illegible] درجه تا مشرق [illegible] درجه حلب [illegible]

از جنوب بیست و هشت درجه تا مشرق شصت و دو درجه دمشق از جنوب بیست و هشت درجه

تا مشرق شصت و دو درجه طرابلس شام از جنوب بیست و نه درجه تا مشرق شصت و یک درجه حمص

از جنوب بیست و نه درجه تا مشرق شصت و یک درجه قیسریه از جنوب سی درجه تا مشرق شصت درجه

سوصیه کبری از جنوب سی و یک درجه تا مشرق پنجاه و نه درجه طرطوس از جنوب سی و یک درجه

تا مشرق پنجاه و نه درجه قسطنطنیه از جنوب سی و شش درجه تا مشرق پنجاه و چهار درجه صور

از جنوب سی و هشت درجه تا مشرق پنجاه و دو درجه قونیه از جنوب سی و هشت درجه تا مشرق

پنجاه و دو درجه اصفلان از جنوب چهل و چهار درجه تا مشرق چهل و شش درجه بیت المقدس
از جنوب چهل و هفت درجه تا مشرق چهل و سه درجه اسکندریه از جنوب پنجاه و هشت درجه
تا مشرق سی و دو درجه مصر از جنوب پنجاه و نه درجه تا مشرق سی و یک درجه قومس از جنوب
هشتاد و شش درجه تا مشرق چهارده درجه قرطبه دار الملک اندلس از جنوب هشتاد و هفت درجه
تا مشرق سیزده درجه قیروان از جنوب هشتاد و یک درجه فاهرت علیا از جنوب هشتاد و هشت
تا مشرق سه درجه قسم ثانی بلادی که انحراف قبله ایشان شرقیست از شمال پنج بلادست
طنجه مغرب قدر قوس انحراف قبله آن از نقطه شمال بجانب مشرق هشتاد و چهار درجه
و ازیست قبله آن تا مشرق اعتدال شش درجه است سوس اقصی مغرب از شمال هشتاد درجه تا مشرق
بیست و شش درجه دنقله مدینه نوبه از شمال شصت و چهار درجه تا مشرق بیست و شش درجه
جرمی دار الملک حبشه از شمال پنجاه و سه درجه تا مشرق سی و هفت درجه زبید از بلاد یمن
از شمال بیست و دو درجه تا مشرق شصت و هشت درجه قسم ثالث بلادی که انحراف قبله آنها
غربیست از شمال چهار بلدست سراندیب قوس انحراف قبله آن از نقطه مغرب
اعتدال بیست و چهار درجه است سومنات از شمال هفتاد و یک درجه تا مغرب پانزده درجه
دار الملک عنبر از شمال هشتاد و یک درجه تا مغرب نه درجه نهلواره هند

از شمال

از شمال هشتاد و هفت درجه تا مغرب سی درجه قسم رابع بلادی که انحراف قبله غربیست
از جنوب هشتاد و پنج بلدست مانادس هند قدر قوس انحراف قبله آن از نقطه جنوب بجانب
مغرب هشتاد و شش درجه است که تا مغرب اعتدال چهار درجه است اگره از جنوب هشتاد و چهار درجه
تا مغرب شش درجه دهلی از جنوب هشتاد و سه درجه تا مغرب هفت درجه دیبل از جنوب
هشتاد و سه درجه تا مغرب هفت منصوره سند از جنوب هشتاد و یک درجه تا مغرب نه درجه
لهاور از جنوب هشتاد و پنج درجه تا مغرب پانزده درجه تصامه از جنوب هشتاد و ... درجه
تا مغرب هفده درجه هرموز از جنوب هفتاد و دو درجه تا مغرب هیجده درجه مولتان
از جنوب هفتاد و دو درجه تا مغرب هیجده درجه خالع مالع از جنوب هفتاد و یک درجه تا مغرب
نوزده درجه کشمیر از جنوب شصت و نه درجه تا مغرب بیست و یک درجه قطیف از جنوب شصت
و نه درجه تا مغرب بیست و یک درجه لحسا از جنوب شصت و هشت درجه تا مغرب بیست و دو درجه
قندهار از جنوب شصت و هشت درجه تا مغرب بیست و دو درجه لبت از جنوب شصت
و پنج درجه تا مغرب بیست و پنج درجه ثلبت از جنوب شصت و چهار درجه تا مغرب بیست و شش درجه
سیستان از جنوب شصت و دو درجه تا مغرب بیست و هشت درجه بدخشان
از جنوب شصت و دو درجه تا مغرب بیست و هشت درجه پشن بالغ از جنوب شصت و یک درجه

تا مغرب بیست و نه درجه قراقرم از جنوب شصت و یک درجه تا مغرب بیست و نه درجه بحرین
از جنوب شصت درجه تا مغرب سی درجه بلخ از جنوب پنجاه و نه درجه تا مغرب سی و یک درجه
ختن از جنوب پنجاه و هشت درجه تا مغرب سی و دو درجه کرمان از جنوب پنجاه و هشت درجه
تا مغرب سی و دو درجه فاریاب از جنوب پنجاه و شش درجه تا مغرب سی و چهار درجه کاشغر
از جنوب پنجاه و چهار درجه تا مغرب سی و شش درجه مرو از جنوب پنجاه و دو درجه تا مغرب سی و
هشت درجه هرات از جنوب پنجاه و یک درجه تا مغرب سی و نه درجه شبران از جنوب پنجاه و یک درجه
تا مغرب سی و نه درجه کش از جنوب پنجاه درجه تا مغرب چهل درجه سمرقند از جنوب چهل و نه درجه
تا مغرب چهل و یک درجه بخارا از جنوب چهل و نه درجه تا مغرب چهل و یک درجه خجند از جنوب
چهل و هشت درجه تا مغرب چهل و دو درجه نوق از جنوب چهل و هشت درجه تا مغرب چهل و دو درجه
ترشیز از جنوب چهل و هشت درجه تا مغرب چهل و دو درجه سرخس از جنوب چهل و دو درجه
تا مغرب چهل و سه درجه بناکت از جنوب چهل و شش درجه تا مغرب چهل و چهار درجه المالغ
از جنوب چهل و شش درجه تا مغرب چهل و چهار درجه نیشابور از جنوب چهل و چهار درجه تا مغرب
چهل و شش درجه طوس از جنوب چهل و سه درجه تا مغرب چهل و هفت درجه سبزوار
از جنوب چهل و دو درجه تا مغرب چهل و هشت درجه طهران از جنوب چهل و دو درجه تا مغرب

چهل و هشت درجه

چهل و هشت درجه یزد از جنوب چهل و دو درجه تا مغرب چهل و هشت درجه دامهرد
از جنوب چهل درجه تا مغرب پنجاه درجه اصفهان از جنوب سی و نه درجه تا مغرب پنجاه و یک درجه
دامغان از جنوب سی و هشت درجه تا مغرب پنجاه و دو درجه سمنان از جنوب سی و هفت درجه
تا مغرب پنجاه و سه درجه کوکنج دار الملک خوارزم از جنوب سی و هشت تا مغرب پنجاه و سه درجه استرآباد
از جنوب سی و شش درجه تا مغرب پنجاه و چهار درجه بصره از جنوب سی و شش درجه تا مغرب پنجاه و چهار درجه
کاشان از جنوب سی و پنج درجه تا مغرب پنجاه و پنج درجه قم از جنوب سی و دو درجه تا مغرب پنجاه و هشت درجه
شوشتر از جنوب سی و دو درجه تا مغرب پنجاه و هشت درجه ری از جنوب سی و یک درجه تا مغرب
پنجاه و نه درجه ساری از جنوب سی و یک درجه تا مغرب پنجاه و نه درجه ساوه
از جنوب بیست و هشت درجه تا مغرب شصت و دو درجه قزوین از جنوب بیست و هفت درجه
تا مغرب شصت و سه درجه ابهر از جنوب بیست و پنج درجه تا مغرب شصت و پنج درجه شهردود
از جنوب بیست و چهار درجه تا مغرب شصت و شش درجه کوبا مدینه روس از جنوب بیست و چهار درجه
تا مغرب شصت و شش درجه لاهیجان از جنوب بیست و سه درجه تا مغرب شصت و هفت درجه
همدان از جنوب بیست و دو درجه تا مغرب هفتاد و دو درجه شماخی از جنوب بیست درجه
تا مغرب هفتاد درجه باکویه از جنوب بیست درجه تا مغرب هفتاد درجه بلغار

از جنوب نوزده درجه تا مغرب هفتاد و یک درجه قاب الابواب از جنوب هیجده درجه تا مغرب
هفتاد و دو درجه بردعه از جنوب هیجده درجه تا مغرب هفتاد و دو درجه اردبیل از جنوب هیجده درجه
تا مغرب هفتاد و دو درجه تبریز از جنوب شانزده درجه تا مغرب هفتاد و چهار درجه تفلیس از جنوب
شانزده درجه تا مغرب هفتاد و چهار درجه مراغه از جنوب پانزده درجه تا مغرب هفتاد و پنج درجه
بغداد از جنوب سیزده درجه تا مغرب هفتاد و هفت درجه نخجوان از جنوب دوازده
درجه تا مغرب هفتاد و هشت درجه کوفه از جنوب دوازده درجه تا مغرب هفتاد و هشت درجه
شهرصن رای از جنوب هفت درجه تا مغرب هشتاد و سه درجه پس این تفصیل قدر
انحراف صد و بیست بلد مشهور دانسته شد و بعضی از بلاد مذکور شد بمقایسه بلاد قریبه با آن
معلوم میتوان شد مانند بسطام بمقایسه دامغان و استرآباد و مانند آمل بمقایسه ساری و مانند رشت
بمقایسه لاهیجان باید دانست که تصور قدر انحرافات قبله بلاد را هم چند است و ذکر آنها و بیان
فساد آنها بجزء از تفصیل موجب زیادة بصیرت در این مقام میتواند شد پس مناسب آنست که تفصیل را
بتحریر و تقریر آنها ختم کنیم اوّل توهم آنکه هر گاه تفاضل طول بلد بنسبت بطول مکه معظمه
مساوی شد با تفاضل عرض آن بلد بنسبت بعرض مکه یعنی بهمان قدر از درجات و دقایق
در طول زیادت از مکه در عرض نیز زیاده شد یا بقدر زیادة طول در عرض کم شد یا بهمان قدر در

طول

طول کمتر در عرض نیز کم شد یا بقدر کمی طول در عرض زیاده شد لازم آید که قبله آن بلد بین الجهتین باشد
بمعنی که در صورت اولی بر منتصف جنوب و مغرب اعتدال شد و در ثانیه بر منتصف شمال و مغرب
اعتدال و در ثالثه بر منتصف شمال و مشرق اعتدال و در رابعه بر منتصف جنوب و مشرق اعتدال و در فرق
صورت اولی است آنچه شیخ حسین عبدالصمد رحمه الله در رساله قبله خراسان گفته است که چون هیچ
از نصره و طبس و قهندز است و زیاده هر یک از طول و عرض آن بنسبت بطول و عرض مکه معظمه
قدر انحراف قبله ایشان با هم موافق و سمت قبله هر یک مابین جنوب و مغرب اعتدال است
و تصویر منشأ این توهم آن است که تفاوت طول موجب انحراف از نقطه جنوب یا شمال
و تفاوت عرض موجب انحراف از نقطه مشرق یا مغرب میشود و چون در صورت مفروضه هر دو تفاوت
متساوی و متکافی است پس باید سمت قبله مابین الجهتین باشد و بطلان این سخن ظاهر است
چه مبنی است بر گمان وقوع بلدین متساویین در عرض مختلفین در طول در یک سمت از مکه
بقیاس بر وقوع بلدین متساویین در طول مختلفین در عرض در یک سمت به نصف النهار
و این گمان ممنوع است تفرع انحراف از نقطه مشرق یا مغرب بر تفاوت عرض فی المسأله
گمان سابق بیان شد و حاصل آن این است که ملازمت میان اختلاف در عرض
و انحراف قبله از مشرق یا مغرب اعتدال نیست ممکن است که بلدی با فرض زیادتی عرض با مکه

منحرف شود قبله آن از مشرق یا مغرب اعتدال یا عکس آن و ایضاً توهم مذکور مبنی است بر گمان توازی
نصف النهار بلاد چه بر فرض تلازم مذکور نیز هر گاه نصف النهار بلاد متوازی نباشند بلکه متقاطع باشند
چنانچه مطابق واقع است متقاطع شوند ظاهر است که بسبب تقاطع مذکور هر چند تفاضل طول و
عرض بلدین بیک درجه در عدد درجات و دقایق موافق باشند لکن باعتبار قرب و بعد ایشان
نسبت بخط استوا اختلاف در قدر تفاضل بهم میرسد و منشأ قدر انحراف این مقدار است نه آن علاوه
چه اگر همان عدد درجات طول و عرض ملاحظه نسبت تفاضل مذکور منشأ قدر انحراف می‌بود
باید در هر بلدی بخصوص ملاحظه نسبت مذکوره با جمیع دوائر استخراج قدر انحراف آن بلاد نکنند چه
بر این تقدیر اختصاص بصورت مساوات تفاضل ندارد پس در بلدی که مثلاً نسبت زیادتی طول و عرض
آن از طول و عرض مکه نسبت ثلث و ثلثان باشد یعنی تفاضل طول نصف تفاضل عرض باشد اللهم لابد
انحراف آن از جنوب نصف انحراف قبله از مغرب اعتدال شود و بر این قیاس خلاف آن ثابت است
چه با وجود آنکه اختلاف طول فسا و مکه هشتاد و پنج درجه و عرض سی و شش درجه است و هم چنین
با اختلاف طول مکه هفتاد و هفت درجه و ده دقیقه و عرض پنج درجه و چهل دقیقه است و زیادتی
طول شیراز از نصف زیادتی عرض است قدر انحراف قبله آن از جنوب باتفاق یک درجه کمتر است
از نصف قدر انحراف آن از مغرب اعتدال پس ظاهر شد که نسبت تفاضل طول و عرض موجب

با بصره

بصره مثلاً با مکه لازم نیاید که سمت قبله آن ما بین جنوب و مغرب اعتدال شود بلکه در بصره مساوی تفاضل
مذکور نیز مفقود است و حکم باشتراک آن با طوس در همین معنی غفلتی است و از رجوع قبله طول و عرض
بلاد معلوم می‌شود و ایضاً از این قبیل است حکم باینکه طول بصره از طول بغداد پنج درجه زیاده است
چنانکه در رساله مذکور است چه در زیجات معتبره مصححه مضبوط است که طول بصره هشتاد و چهار
درجه است و عرضش سی درجه و طول بغداد هشتاد درجه است و عرض سی و سه درجه و ربع درجه
پس بنا بر این زیادتی طول بصره از طول مکه باتفاق هفتاد و هفت درجه و ده دقیقه شش درجه و یک دقیقه
می‌شود و زیادتی عرض آن بر عرض مکه که باتفاق بیست و یک درجه و چهل دقیقه است هشت درجه و بیست دقیقه
پس تفاضل طول و عرض آن نسبت بطول و عرض مکه مساوی نیست بلکه یک درجه و نیم تفاوت دارد
و هم چنین زیادتی طول بصره بر طول بغداد که چهار درجه است نه پنج درجه دیگر از توهمات عکس صورت
مذکوره است یعنی هر گاه قبله بلدی بر منتصف ما بین جنوب و مغرب باشد لازم می‌آید که تفاوت طول و عرض آن
بلد از مکه مذکوره مساوی باشد و در بطلان این نیز بعد از تذکر ما سبق باندک تأملی ظاهر می‌شود دیگر
از توهمات مستبعده این است که تساوی قدر انحراف دو بلد در یکی از اقسام اربعه مذکوره مستلزم
اتحاد آن دو در سمت قبله است هم باشند یعنی یک جهتی باشند و اگر خطی از آن اربعه بیکدیگر
اخراج کنند بر اقرب نیز ملحق و این نیز فاسد است چه شیراز از سمت قبله هرات با وجود

ست و مقدار درجات انحراف غربیه از جنوب قریب به پنج فرسخ بسیار است همچنین با وجود تساوی
مذکور همدان از سمت قبله بیرون چهل فرسخ بسیار است و دیبل از سمت قبله چهل فرسخ بسیار
و کوفه از سمت قبله سبزوار بیجا فرسخ بسیار و کرمان از سمت قبله ختن هفتاد فرسخ بسیار دور مانده
دور است این توهم که مکان تلاقی نصف النهار بلد است چه بر این تقدیر لازم آید وقوع تساوی در زاویه انحراف
این بلاد هم چنانکه معروض است لازم میاید که خط سمت قبله این بلاد از اخراج متحد شوند و لابد
متقاطع خواهند بود بر نقطه از سمت قبله لا محاله و چون محال است در تقاطع دو خط غیر متوازی با دو خط
متوازی دو زاویه متبادله در یک جهت حادث شود متغایر در زاویه انحراف در تلاقی ایشان با نصف النهارین
متوازین فرضا هم نرسند با هم مساوی نباشند و این خلاف فرض است دیگر از توهمات عکس صورت
سابقه است یعنی هرگاه دو بلد بر حیثیت مذکور باشند لازم شود در مقدار انحراف مساوی باشند و این نیز
فاسد است چه قزوین بر سمت قبله قسطنطنیه است با وجود تفاوت شش درجه در مقدار انحراف شرقی
از جنوب و حلب بر سمت قبله لار است با تفاوت هشت درجه در مقدار انحراف غربیه از جنوب و همچنین
تحت بیروت بر سمت قبله کشمیر است با تفاوت هشت درجه و یزد بر سمت قبله بیش بلخ است با
تفاوت نوزده درجه و شیراز بر سمت قبله خال بلخ است با تفاوت پنج درجه و منشأ این
توهم نیز قریب است به توهم سابق دیگر از توهمات این است که هرگاه دو بلد نظیر هم باشند یعنی

مقدار انحراف

و مقدار انحراف احدهما در یکی از اقسام اربعه مساوی باشند با مقدار انحراف دیگری در قسم مقابل
آن لازم شود که دو سمت قبله با هم مواجه باشند یعنی اگر از یکی به دیگری خطی مستقیم اخراج شود
همگی موقعه یکدیگر بگذرد و این نیز باطل است چه زبید از بلاد یمن نظیر همدان است یعنی مقدار انحراف
قبله زبید از شمال به جانب شرق پنج و دو درجه است و انحراف همدان از جنوب به جانب مغرب
پنج و دو درجه است با آنکه سمت قبله زبید مواجه شرقی همدان است قریب به پنجاه فرسخ
و سمت قبله همدان ایضا مواجه شرقی زبید است قریب به پنج فرسخ و اگر از همدان
به زبید خطی اخراج کنند قریب به پنج فرسخ از غربی مکه بگذرد و ایضا قیروان نظیر دالیان است چه
مقدار هر یک از انحراف سمت قبله اول از جنوب به جانب مشرق و انحراف ثانی از شمال به جانب
مغرب هشتاد و یک درجه است با آنکه سمت قبله قیروان مواجه جانب جنوبی چین است به مسافت
ششصد و پنجاه فرسخ تقریبا و سمت قبله چین ایضا مواجه جانب جنوبی قیروان است به مسافت
چهارصد و شصت فرسخ تقریبا و اگر از قیروان به چین خطی مستقیم اخراج کنند قریب سیصد و
پنجاه فرسخ از شمال مکه بگذرد و ایضا سوس اقصی نظیر لاهور است چه انحراف سمت قبله
سوس از شمال به جانب شرق و سمت قبله لهاور از جانب جنوب به جانب مغرب هفتاد
پنج درجه است با آنکه سمت قبله سوس مواجه جانب جنوبی لهاور است قریب به چهارصد

فرسخ و سمت قبله ایشان واقعاً مواجه جنوب یا نزدیک است قریب بمقصد فرسخ و اگر ایشان خط مستقیم
قصد کنند قریب سیصد و شصت فرسخ از شمال مکه بگذرد و ایضاً تا هرات علی النظیر به لاهور است
چه انحراف سمت قبله تا هرات از جنوب بجانب مشرق هشتاد و هشت درجه است مساوی انحراف
قبله ایشان و از شمال بجانب مغرب با آنکه سمت قبله تا هرات مواجه جنوب لاهور است بمسافت
فرسخ تقریباً و سمت قبله ایشان موافق جنوب تا هرات است بمسافت سیصد و پنجاه فرسخ تقریباً و خط مستقیم
میانها قریب بمسافت صد و پنج فرسخ از شمال مکه میگذرد و در ضمن تمثیلات مذکوره این ظاهر شد
و بعضی یکی از علمای متأخرین از سمت قبله دوری لازم نیست بهیئت دیگر و مثل این اختلاف
عدم تساوی آن است در قرب و بعد نسبت بکعبه چنانکه باندک تأملی ظاهر میشود و دیگر از توهمات
عکس صورت سابقه است یعنی هرگاه دو بلد در دو جهت مواجه هم باشند در سمت قبله لازم آید
که انحراف احدهما در یکی از اقسام اربعه مساوی انحراف دیگری باشد در قسم مقابل و این -
نیز باطل است چه دار الملک حبشی در سمت قبله مواجه قندهار است با تفاوت پنج درجه در قدر انحراف
مقابل دو نقطه مدینه نوبه مواجه دیبل است با تفاوت نوزده درجه در قدر انحراف مذکور و محل
منشأ این توهم و توهم سابق قیاس وضع بلاد مذکوره بر اطراف مکه بر وضع نقاط محیط
یک دایره با مرکزش و غفلت از اختلاف شمال و جنوب و همچنین مشرق و مغرب بلاد باختلاف

آفاق

آفاق و آنچه در باب تعیین قبله در اختلاف هر طول از جنوب با شمال بیان آن مذکور است و بعد از این ذکر
این ضوابط و اشباه آن اشتباهی در امثال این امور نمی‌ماند فصل ثانی در ذکر موضع توجه بلاد
مشهوره از حدود کعبه معظمه از کیفیت وضع کعبه معظمه چنانکه در اوایل این رساله مذکور شد و عادت
که مجمع البلاد مستفاد میشود و از حجر الاسود تا باب کعبه و قریب بدو سدس ضلع طولی است موقع
توجه اهل بعضی از بلاد هند است مانند پهلواره و حوالی آن و فضای باب که آن نیز قریب بسدس آن
موقع توجه اهل جنوب و دیبل و با پارس و منصوره و سند و آگره و دهلی و ماهور و نهاوند و حوالی آنها و
ملتان متصف آن ضلع و نهایت سدس ثالث است موقع توجه اهل ... و لاهور و مولتان و
قطیف و بحرین و قندهار و کشمیر و سیستان و کرمان و بدخشان و تبت و ختن تا بلخ و شیراز و
و فاریاب است و سدس رابع موقع توجه اهل هرات و ختن و تبریز بلخ و خجند و مرو و خوارزم و
ترشیز و تون و سمرقند و کاشغر و ترکستان و کش و خجند و بخارا و هرمز و طوس و بلکت
و المالغ و سبزوار است و سدس خامس موقع توجه اهل اصفهان و بصره و سمنان و کاشان و
استرآباد و گرگان و قم و ری و ساری و قزوین و ساوه و لاهیجان و همدان است و سدس سادس
و مشارب است برکن ثانی موقع توجه اهل کوفه و مدینه روم و شام و حلب و طغار و باب الابواب و
تفلیس و اردبیل و تبریز و بغداد و کوفه و قسمتی از ... است و سدس موقع توجه اهل عراق عرب

بسیار قریب است برکن ثانی و موقع توجه اهل عراق عجم نیز باین رکن اقرب است از سایر ارکان و وجه تسمیه آن
بعراقی همین است و از رکن عراقی تا رکن غربی ضلع غربی است سمت اول موقع توجه اهل موصل و اران
الروم و حوالی انهاست و سمت ثانی موقع توجه اهل ارزنجان و حلب و حوالی انهاست و سمت ثالث
از منتهی شق میزاب تا منتصف ضلع مذکور است موقع توجه اهل انطاکیه و ملطیه و رومیه کبری و طرابلس شام
و دمشق و حمص و قسطنطنیه و قنسرین و مدینه مشرفه و قونیه و صور و عسقلان و بیت المقدس است و سمت رابع
تسمیه رکن عراقی مذکور برکن شامی نیز ظاهر شد چه موقع توجه اهل بلاد شام نیز باین رکن اقرب است
از ارکان دیگر و سمت رابع موقع توجه اهل اسکندریه و مصر و اندلس است و سمت خامس
موقع توجه اهل طرابلس مغرب و قیروان و تاهرات و ذوحص و سوس اقصی است و سمت
سادس از شق برکن غربی محاذی جنوبی از بلاد مشهور نیست و تسمیه این رکن بغربی یا بواسطه محاذات
آنست بغرب مغرب اعتدال و یا بواسطه آن است که موقع توجه اهل بلاد مغرب باین رکن اقرب است
از سایر ارکان چنانکه ظاهر شد و از رکن غربی تا رکن یمانی ضلع دیگر جنوبی ثالث اضلاع است و سمت اول
آن موقع توجه اهل دنقله و اکثر بلاد نوبه است و سمت ثانی موقع توجه اهل جرمی و سایر بلاد حبشه است
و سمت ثالث محاذی جنوبی از بلاد مشهور نیست و سمت رابع و خامس و سادس که نصف اخیر این
ضلع است موقع توجه اهل بعضی از بلاد یمن است مانند زبید و از رکن یمانی تا رکن حجر الاسود
ضلع

ضلع دیگر عرضی است و رابع اضلاع سمت اول موقع توجه اهل صنعای یمن محاذات دارد و در
اطلاق یمانی بر آن کمال مناسبت ظاهر است و سمت ثانی و ثالث و رابع و خامس این ضلع محاذی
جنوبی از بلاد مشهور نیست و سمت سادس منتهی بحجر الاسود است موقع توجه اهل سومنات و سراندیب
و حوالی انهاست و بر عارف وضع کره مذکور پوشیده نیست که استنباط این تقسیم از امور آن
در مرتبه مشاهده و عیان است بسی خلاف انچه از آن استنباط شده خصوصاً با تفاوت فاحش
مثل انچه ابن شاذان در رساله جهة دیگر گفته است در قبله مولتان و کابل و قندهار ما بین رکن یمانی
و حجر الاسود است محل تعجب است و از این قبیل است انچه بعضی تصور کرده اند در توجه عراق رکن حجر الاسود
و بنا بر این رکن را عراقی نامیده اند چنانکه در کتاب شرایع مذکور است و هم چنین انچه شهید ثانی
در شرح آن بقصد اصلاح غرابت آن کلام فرموده که این رسیدن تقریبی است و قبله اهل عراق باب کعبه
آن است و قطع نظر از اقتضای کره مذکور بمشاهده معلوم است که رکن حجر الاسود منحرف است
از محاذات مشرق اعتدال بجانب جنوب بقدر نصف سمت و مرافق نیز بنابر توجه آن یا باب یا بهر جزوی از اجزاء آن
ضلع در رکن حجر اقرب است از رکن دیگر اتفاقا مستلزم استقبال جزئیست از قوس پایین
جنوب و مغرب و بجنوب نزدیکتر باشد از مغرب و حال آنکه خلافی نیست در آنکه قبله جمیع بلاد
عراق عرب و عجم بجنوب نزدیکتر است بلکه قبله بعضی از آن مثل موصل مایل جنوب است

پس چون قبله بلده قبله عراق رکن حجر الاسود یا باب یا نزدیک اینست فصل ثالث در تفصیل تعیین مسافت
بین البلاد و از ذکر امور سابقه مذکوره معلوم شود که در صورت اختلاف دو بلد در عرض شمالی قدر
مابه التفاضل مناط بعد ما بینهاست و قاعده حساب مشهور در تفاضل یک درجه موجب تفاوت مسافت بیست
و دو فرسخ و دو تسع فرسخ است در آن مطوی است چنانکه از صفاهان تا مکه معظمه و طول هر دو سیصد
هفت درجه است و اختلاف در طول با هم ندارند مگر به دقیقه چند و عرض صفاهان چهار درجه دوم و عرض مکه معظمه
بیست و یک درجه و چهل دقیقه است حجم تفاضل عرض هفت درجه و ده دقیقه است قدر مسافت میانه
ایشان بنابر ضابطه مذکوره قریب به یکصد و شصت فرسخ میشود و چنانکه از شیراز تا ساری و طول هر دو هشتاد [هشت درجه]
و عرض شیراز بیست و نه درجه و سی و شش دقیقه است و عرض ساری سی و شش درجه است حجم تفاضل
عرض هفت درجه و بیست و چهار دقیقه است که به مذکور مسافت ما بینها قریب به یکصد و شصت و
پنج فرسخ است و علی هذا القیاس و اما در صورت اختلاف طولی یا اختلاف عرضی و طولی با هم ضابطه
مذکوره جاری نیست مگر به تقدیر آنکه هر دو بلد بر خط استوا باشند چه در آن وقت مابه اعتبار تفاضل
نصف النهارین مناط اختلاف طولی است بنابر آنکه با وجود صد درجه یا بیشتر بعد مسافت یک
فرسخ یا کمتر رسد چنانکه سابقا اشاره شد پس بنابراین قدر فرسخ یک درجه مثلا مختلف میشود به اختلاف
دوری از خط استوا چنانکه در مبدأ اقلیم اول که بقدر دوازده درجه و چهل دقیقه از خط استوا دور است

قدر مسافت

[illegible]

قدر مسافت یک درجه طولی بیست و یک فرسخ کسری میشود و در مبدأ اقلیم دوم که عرض آن از خط استوا
بیست درجه و بیست و هشت دقیقه است قدر مسافت همان درجه قریب به بیست فرسخ میشود و
و در مبدأ اقلیم سیم که عرضش بیست و هفت درجه و نیم است مسافت آن هیجده فرسخ و کسری است
و در مبدأ اقلیم چهارم که عرضش بیست و هفت درجه و سی و هشت دقیقه است هفده فرسخ و کسری است
و در مبدأ اقلیم پنجم که عرضش سی و هشت درجه و پنجاه و چهار دقیقه است شانزده فرسخ و کسری است
و در مبدأ اقلیم ششم که عرضش چهل و سه درجه و بیست و دو دقیقه است قریب به پانزده فرسخ و در مبدأ
اقلیم هفتم که عرضش چهل و هشت درجه است و ده دقیقه قریب به سیزده فرسخ است و در منتهای اقالیم
و نهایت عمارت است بنابر مشهور و عرضش پنجاه درجه و بیست دقیقه است دوازده فرسخ و کسری میشود
و همچنین بعد از آن کم میشود تا عرض تسعین پس بجهة این اختلاف فحص معرفت طول و عرض بلاد واجب شد
با استخراج مسافت قدر ما بینها و بهترین آلتی بجهة استعلام آن خصوصا در بلاد مختلف الطول و العرض کره
مذکوره است و چون استعلام استخراج قدر بعد جمیع بلاد از هم و ذکر آنها تطویل بلاطائل است پس میان
این است که قدر فراسخ ما بین هر دو بلد که از هم بعدی معتد به داشته باشند موافق مقتضای کره مذکوره به
تفصیل مذکور رقم کرده و بنابراین بذکر نسبت بعد مسافت چهل بلد مشهور با هم که هشتصد و هشتاد نسبت
اکتفا میشود بجهة صیانت از فساد غلط کتاب قدر مذکور از فراسخ را رقم که نیز بذکر مراحل سکه [illegible] جمله

هر مرحله هشت فرسخ چنانکه مشهور است اگر در بیان سهوی واقع شود بقرینه تصحیح میتوان کرد چنین در دیگر کسور جمله [?]

فرسخ و هم چنین در دیگر کسور مراحل تقریبی معتدد است بجهت رعایت عدم اطناب از کسور فراسخ مطلق

اغماض و از احاد فراسخ نیز آنچه به نصف عشر نمیرسد اسقاط میکنیم و بالای آن را رفع نموده یکی عشر ده [?]

نازل منزل یک صحیح عشار شمار [?] عشرات حساب میکنیم و از مراحل نیز بهمین طریق آنچه از نصف کمتر است

اسقاط و بالای آن را یکی مرحله اعتبار میکنیم و شروع از بلادی در حوالی مکه معظمه است مانند مدینه مشرفه

و صنعا و لحسا نموده بعد از آن بسایر بلاد بترتیب الاقرب فالاقرب نسبت بمکه معظمه مذکور میشود و نسبت هر بلد

بهر یک از بلاد مقدم بر وی [?] بترتیب تفصیلی میآید مدینه مشرفه قریب است [?] آن تا مکه نود فرسخ است

که یازده مرحله است صنعا تا مکه صد و شصت فرسخ است بیست مرحله تا مدینه دویست و ده فرسخ بیست

شش مرحله لحسا تا مکه صد و چهل فرسخ هجده مرحله تا مدینه صد و هفتاد فرسخ بیست و یک مرحله تا صنعا

دویست و چهل فرسخ سی مرحله بصره تا مکه دویست و چهل فرسخ سی مرحله تا مدینه دویست

بیست فرسخ بیست و هشت مرحله تا صنعا سیصد و نود فرسخ چهل و نه مرحله تا لحسا صد و پنجاه

فرسخ نوزده مرحله هرموز تا مکه دویست و هفتاد فرسخ سی و چهار مرحله تا مدینه دویست و نود

فرسخ سی و شش مرحله تا صنعا سیصد و شصت فرسخ چهل و پنج مرحله تا لحسا صد و چهل فرسخ هجده

مرحله تا بصره صد و شصت فرسخ بیست مرحله شیراز تا مکه دویست و هفتاد فرسخ سی و چهار مرحله

تا مدینه

تا مدینه دویست و شصت فرسخ سی و سه مرحله تا صنعا چهارصد و ده فرسخ پنجاه و یک مرحله تا لحسا صد و

شصت فرسخ بیست مرحله تا بصره هشتاد فرسخ ده مرحله تا هرموز صد فرسخ سیزده مرحله

بغداد تا مکه دویست و هشتاد فرسخ سی و پنج مرحله تا مدینه مشرفه دویست و ده فرسخ بیست و

شش مرحله تا صنعا چهارصد و سی فرسخ پنجاه و چهار مرحله تا لحسا دویست و بیست فرسخ

بیست و هشت مرحله تا بصره نود فرسخ یازده مرحله تا هرموز دویست و شصت فرسخ سی و سه مرحله

تا شیراز صد و هفتاد فرسخ سی و یک مرحله موصل تا مکه دویست و نود فرسخ سی و شش مرحله

تا مدینه دویست و ده فرسخ بیست و شش مرحله تا صنعا چهارصد و چهل فرسخ پنجاه و پنج مرحله

تا لحسا دویست و هفتاد فرسخ سی و چهار مرحله تا بصره صد و هشتاد فرسخ بیست و یک مرحله

تا هرموز سیصد و سی فرسخ چهل و یک مرحله تا شیراز دویست و سی فرسخ بیست و نه مرحله

تا بغداد هفتاد فرسخ نه مرحله اصفهان تا مکه سیصد و ده فرسخ سی و نه مرحله تا مدینه

دویست و هشتاد فرسخ سی و پنج مرحله تا صنعا چهارصد و پنجاه فرسخ پنجاه و شش مرحله تا لحسا

دویست و ده فرسخ بیست و شش مرحله تا بصره هفتاد فرسخ نه مرحله تا هرموز صد و هشتاد فرسخ

بیست و سه مرحله تا شیراز هفتاد فرسخ نه مرحله تا بغداد صد و ده فرسخ چهارده مرحله تا موصل صد و نود

فرسخ بیست و چهار مرحله دمشق تا مکه سیصد و بیست فرسخ چهل مرحله تا مدینه

و بیست و پنج فرسخ بیست و هشت مرحله تا صنعا چهارصد و هشتاد فرسخ شصت مرحله تا لحسا
سیصد و پنجاه فرسخ چهل و چهار مرحله تا بصره دویست و شصت فرسخ سی و سه مرحله تا هرمز
چهارصد و سی فرسخ پنجاه و چهار مرحله تا شیراز سیصد و پنجاه فرسخ چهل و چهار مرحله تا بغداد
دویست فرسخ بیست و پنج مرحله تا موصل صد و بیست فرسخ پانزده مرحله تا اصفهان سیصد و دو فرسخ
سی و هشت مرحله جزیره دار الملک حبش تا مکه سیصد و سی فرسخ چهل و یک مرحله تا مدینه
سیصد و پنجاه فرسخ چهل و چهار مرحله تا صنعا دویست و سی فرسخ بیست و نه مرحله تا لحسا
چهارصد و پنجاه فرسخ پنجاه و شش مرحله تا بصره پانصد و پنجاه فرسخ شصت و هشت مرحله
تا هرمز پانصد و هشتاد فرسخ هفتاد و سه مرحله تا شیراز پانصد و نود فرسخ هفتاد و چهار مرحله
تا بغداد پانصد و پنجاه فرسخ شصت و نه مرحله تا موصل پانصد و سی فرسخ شصت و شش
مرحله تا اصفهان ششصد و ده فرسخ هفتاد و شش مرحله تا دمشق چهارصد و هشتاد فرسخ
شصت مرحله یزد تا مکه سیصد و چهل فرسخ چهل و سه مرحله تا مدینه سیصد و ده
فرسخ سی و نه مرحله تا صنعا چهارصد و هشتاد فرسخ شصت مرحله تا لحسا دویست و سی فرسخ
بیست و نه مرحله تا بصره صد و ده فرسخ چهارده مرحله تا هرمز صد و شصت فرسخ بیست مرحله
تا شیراز هفتاد فرسخ نه مرحله تا بغداد صد و هفتاد فرسخ بیست و یک مرحله تا موصل دویست و

چهل فرسخ

چهل فرسخ سی مرحله تا اصفهان شصت فرسخ هشت مرحله تا دمشق سیصد و شصت فرسخ
چهل و پنج مرحله تا حبشه ششصد و پنجاه فرسخ هشتاد و یک مرحله مصر تا مکه سیصد و چهل فرسخ
چهل و سه مرحله تا مدینه دویست و هفتاد فرسخ سی و چهار مرحله تا صنعا چهارصد و هفتاد فرسخ
پنجاه و نه مرحله تا لحسا چهارصد و چهل فرسخ پنجاه و پنج مرحله تا بصره چهارصد و ده فرسخ پنجاه و
یک مرحله تا هرمز پانصد و چهل فرسخ شصت و هشت مرحله تا شیراز چهارصد و نود فرسخ شصت و
یک مرحله تا بغداد سیصد و چهل فرسخ چهل و سه مرحله تا موصل دویست و پنج فرسخ سی و پنج مرحله
تا اصفهان چهارصد و پنجاه فرسخ پنجاه و شش مرحله تا دمشق صد و هفتاد فرسخ بیست و یک مرحله تا
حبشه سیصد و هشتاد فرسخ چهل و هشت مرحله تا یزد پانصد و ده فرسخ شصت و چهار
مرحله حلب تا مکه سیصد و چهل فرسخ چهل و سه مرحله تا مدینه دویست و شصت فرسخ
سی و سه مرحله تا صنعا پانصد و ده فرسخ شصت و چهار مرحله تا لحسا سیصد و پنجاه فرسخ
چهل و چهار مرحله تا بصره دویست و چهل فرسخ سی مرحله تا هرمز چهارصد و ده فرسخ پنجاه و یک مرحله
تا شیراز سیصد و پنج فرسخ چهل مرحله تا بغداد صد و شصت فرسخ بیست مرحله تا موصل هشتاد
فرسخ ده مرحله تا اصفهان دویست هفتاد فرسخ سی و چهار مرحله تا دمشق هفتاد فرسخ نه مرحله تا حبشه
پانصد و چهل فرسخ شصت و هشت مرحله تا یزد سیصد و پنج فرسخ چهل مرحله تا مصر دویست

چهل فرسخ سی مرحله قسطنطنیه تا مکه سیصد هفتاد فرسخ چهل و شش مرحله تا مدینه سیصد و ده فرسخ
سی و نه مرحله تا صنعا پانصد و بیست فرسخ شصت و پنج مرحله تا حلب دویست و نود فرسخ سی و شش مرحله
تا بصره صد و سی فرسخ شانزده مرحله تا هرمز دویست و شصت فرسخ سی و سه مرحله تا شیراز صد و
پنجاه فرسخ نوزده مرحله تا بغداد صد و ده فرسخ چهارده مرحله تا موصل صد و هفتاد فرسخ بیست
و یک مرحله تا اصفهان هشتاد فرسخ ده مرحله تا دمشق دویست و هشتاد فرسخ سی و پنج مرحله تا حبشه
ششصد فرسخ هفتاد و پنج مرحله تا یزد صد و ده فرسخ چهارده مرحله تا مصر چهارصد فرسخ
پنجاه مرحله تا حلب دویست و چهل فرسخ سی مرحله تبریز تا مکه سیصد و نود فرسخ
چهل و نه مرحله تا مدینه سیصد و سی فرسخ چهل و یک مرحله تا صنعا پانصد و پنجاه فرسخ شصت و
نه مرحله تا حلب سیصد و چهل فرسخ چهل و سه مرحله تا بصره صد و چهل فرسخ هجده
مرحله تا هرمز سیصد و چهل فرسخ چهل و سه مرحله تا شیراز دویست و سی فرسخ بیست و
نه مرحله تا بغداد صد و بیست فرسخ پانزده مرحله تا موصل صد و سی فرسخ شانزده مرحله
تا اصفهان صد و شصت فرسخ بیست مرحله تا دمشق دویست و سی فرسخ بیست و نه مرحله
تا حبشه ششصد و شصت فرسخ هشتاد و سه مرحله تا یزد صد و نود فرسخ بیست و چهار مرحله
تا مصر چهارصد فرسخ پنجاه مرحله تا حلب صد و هشتاد فرسخ بیست و سه مرحله تا قزوین

نود فرسخ

نود فرسخ یازده مرحله ارزن الروم تا مکه چهارصد فرسخ پنجاه مرحله تا مدینه سیصد و سی فرسخ
چهل و یک مرحله تا صنعا پانصد و شصت فرسخ هفتاد مرحله تا حلب سیصد و هشتاد فرسخ چهل و هشت مرحله
تا بصره دویست و پنجاه فرسخ سی و یک مرحله تا هرمز چهارصد فرسخ پنجاه مرحله تا شیراز سیصد و ده فرسخ
سی و نه مرحله تا بغداد صد و سی فرسخ شانزده مرحله تا موصل صد و ده فرسخ چهارده مرحله تا اصفهان
دویست و سی فرسخ بیست و نه مرحله تا دمشق صد و هفتاد فرسخ بیست و یک مرحله تا حبشه ششصد و چهل
فرسخ هشتاد و سه مرحله تا حلب صد و ده فرسخ چهارده مرحله تا قزوین صد و هشتاد فرسخ بیست و سه
مرحله تا تبریز صد و ده فرسخ چهارده مرحله سبزوار تا مکه چهارصد و بیست فرسخ پنجاه و سه مرحله
تا مدینه سیصد و نود فرسخ چهل و نه مرحله تا صنعا پانصد و هشتاد فرسخ هفتاد و یک مرحله تا بصره صد و
نود فرسخ بیست و چهار مرحله تا هرمز دویست و شصت فرسخ سی و سه مرحله تا شیراز صد و هشتاد
فرسخ بیست و سه مرحله تا بغداد دویست و ده فرسخ بیست و شش مرحله تا موصل دویست و شصت
فرسخ سی و سه مرحله تا اصفهان صد و بیست فرسخ پانزده مرحله تا دمشق سیصد و هشتاد فرسخ
چهل و هشت مرحله تا حبشه هفتصد و ده فرسخ هشتاد و نه مرحله تا یزد صد فرسخ سیزده مرحله
تا مصر پانصد و چهل فرسخ شصت و هشت مرحله تا حلب سیصد و هشتاد فرسخ چهل و
هشت مرحله تا قزوین نود فرسخ یازده مرحله تا تبریز صد و هشتاد فرسخ بیست و سه مرحله

تا ارزن الروم دویست و پنجاه فرسخ سی و یک مرحله استرآباد تا مکه چهارصد و بیست فرسخ
پنجاه و سه مرحله تا مدینه سیصد و هشتاد فرسخ چهل و شش مرحله تا صنعا پانصد و شصت فرسخ
هفتاد مرحله تا لحسا سیصد و بیست فرسخ چهل مرحله تا بصره صد و هفتاد فرسخ بیست و یک مرحله تا هرموز
دویست و هفتاد فرسخ سی و چهار مرحله تا شیراز صد و هشتاد فرسخ بیست و سه مرحله تا بغداد صد و
هشتاد فرسخ بیست و سه مرحله تا موصل دویست و سی فرسخ بیست و نه مرحله تا اصفهان
صد و ده فرسخ چهارده مرحله تا دمشق سیصد و پنجاه فرسخ چهل و چهار مرحله تا جشه هفتصد فرسخ
هشتاد و هشت مرحله تا یزد صد و ده فرسخ چهارده مرحله تا مصر پانصد و ده فرسخ شصت و
چهار مرحله تا حلب سیصد و پنجاه فرسخ چهل و چهار مرحله تا قزوین نود فرسخ یازده مرحله تا ارزن
الروم دویست و بیست فرسخ بیست و هشت مرحله تا سبزوار چهل فرسخ پنج مرحله هرات تا مکه
چهارصد و چهل فرسخ پنجاه و پنج مرحله تا مدینه چهارصد فرسخ پنجاه مرحله تا صنعا پانصد و شصت فرسخ
هفتاد مرحله تا لحسا سیصد و بیست فرسخ چهل مرحله تا بصره دویست فرسخ بیست و پنج مرحله
تا هرموز دویست و بیست فرسخ بیست و هشت مرحله تا شیراز صد و شصت فرسخ بیست مرحله
تا بغداد دویست و چهل فرسخ سی مرحله تا موصل سیصد و ده فرسخ سی و نه مرحله تا اصفهان
صد و چهل فرسخ هجده مرحله تا دمشق چهارصد و ده فرسخ پنجاه و یک مرحله تا جشه هفتصد و سی فرسخ

نود و یک

نود و یک مرحله تا یزد نود فرسخ یازده مرحله تا مصر پانصد و هشتاد فرسخ هفتاد و سه مرحله تا حلب
سیصد و هشتاد فرسخ چهل و هشت مرحله تا قزوین صد و پنجاه فرسخ نوزده مرحله تا تبریز دویست
بیست فرسخ بیست و هشت مرحله تا ارزن الروم سیصد و بیست فرسخ چهل مرحله تا سبزوار
هشتاد فرسخ ده مرحله تا استراباد صد فرسخ سیزده مرحله طوس تا مکه چهارصد و
پنجاه فرسخ پنجاه و شش مرحله تا مدینه چهارصد و بیست فرسخ پنجاه و سه مرحله تا صنعا ششصد و
فرسخ هفتاد و پنج مرحله تا لحسا سیصد و شصت فرسخ چهل و پنج مرحله تا بصره دویست و
سی فرسخ بیست و هشت مرحله تا هرموز دویست و هشتاد فرسخ سی و پنج مرحله تا شیراز دویست
فرسخ بیست و پنج مرحله تا بغداد دویست و سی فرسخ بیست و نه مرحله تا موصل دویست
نود فرسخ سی و شش مرحله تا اصفهان صد و بیست فرسخ نوزده مرحله تا دمشق چهارصد و ده فرسخ
پنجاه و یک مرحله تا جشه هفتصد و شصت فرسخ نود و پنج مرحله تا یزد صد و سی فرسخ شانزده مرحله
تا مصر پانصد و هفتاد فرسخ هفتاد و یک مرحله تا حلب سیصد و پنجاه فرسخ چهل و چهار مرحله تا قزوین
صد و بیست فرسخ پانزده مرحله تا تبریز صد و نود فرسخ بیست و چهار مرحله تا ارزن الروم دویست
هفتاد فرسخ سی و چهار مرحله تا سبزوار سی فرسخ چهار مرحله تا استراباد شصت فرسخ هشت مرحله
تا هرات هفتاد فرسخ نه مرحله شماخی تا مکه چهارصد و پنجاه و شش مرحله تا مدینه سیصد و نود

فرسنگ چهل و نه مرحله تا صنعا ششصد و پنج فرسنگ هفتاد و هشت مرحله تا لحسا سیصد و نود و دو فرسنگ
چهل و نه مرحله تا بصره دویست و پنج فرسنگ بیست و هشت مرحله تا هرموز سیصد و شصت فرسنگ
چهل و پنج مرحله تا شیراز دویست و هفتاد فرسنگ سی و چهار مرحله تا بغداد صد و هشتاد فرسنگ بیست و
سه مرحله تا موصل صد و نود فرسنگ بیست و چهار مرحله تا اصفهان صد و نود فرسنگ بیست و چهار مرحله
تا دمشق سیصد فرسنگ سی و هشت مرحله تا حبشه هفتصد و پنج فرسنگ نود مرحله تا یمن دویست و ده فرسنگ
بیست و شش مرحله تا مصر چهارصد و هفتاد فرسنگ پنجاه و نه مرحله تا حلب دویست و ده فرسنگ بیست و
نه مرحله تا قزوین صد و بیست فرسنگ پانزده مرحله تا تبریز هفتاد فرسنگ نه مرحله تا ارزن الروم صد و
فرسنگ شانزده مرحله تا سبزوار صد و چهل فرسنگ هجده مرحله تا استرآباد صد و ده فرسنگ چهارده مرحله
تا هرات دویست و ده فرسنگ بیست و شش مرحله تا طوس صد و پنجاه فرسنگ نوزده مرحله تفلیس تا مکه
پانصد و ده فرسنگ شصت و چهار مرحله تا مدینه چهارصد و بیست فرسنگ پنجاه و چهار مرحله تا صنعا ششصد و
شصت فرسنگ هشتاد و سه مرحله تا لحسا چهارصد و چهل فرسنگ پنجاه و پنج مرحله تا بصره سیصد و
سی و هشت مرحله تا هرموز چهارصد و پنج فرسنگ پنجاه و سه مرحله تا شیراز سیصد و بیست فرسنگ چهل و
یک مرحله تا بغداد دویست و بیست فرسنگ بیست و نه مرحله تا موصل دویست و بیست فرسنگ بیست و
نه مرحله تا اصفهان دویست و پنجاه فرسنگ سی و یک مرحله تا دمشق سیصد و ده فرسنگ سی و نه

تا حبشه

تا حبشه هفتصد و پنجاه فرسنگ نود و چهار مرحله تا یمن دویست و هشتاد فرسنگ سی و چهار مرحله تا مصر چهارصد و
هفتاد فرسنگ پنجاه و نه مرحله تا حلب دویست و چهل فرسنگ سی مرحله تا قزوین صد و هشتاد فرسنگ
بیست و سه مرحله تا تبریز صد و ده فرسنگ چهارده مرحله تا ارزن الروم صد و بیست فرسنگ شانزده
مرحله تا سبزوار دویست فرسنگ بیست و پنج مرحله تا استرآباد صد و هفتاد فرسنگ بیست و یک مرحله تا هرات
دویست و هفتاد فرسنگ سی و چهار مرحله تا طوس دویست و ده فرسنگ بیست و شش مرحله تا شماخی
هفتاد فرسنگ نه مرحله دنقله مدینه نوبه تا مکه پانصد و پنجاه فرسنگ شصت و نه مرحله تا مدینه پانصد و
چهل فرسنگ شصت و هشت مرحله تا صنعا پانصد و چهل فرسنگ شصت و هشت مرحله
تا لحسا ششصد و هفتاد فرسنگ هشتاد و چهار مرحله تا بصره هفتصد و پنج فرسنگ نود مرحله تا هرموز
هفتصد و نود فرسنگ نود و نه مرحله تا شیراز هفتصد و هشتاد فرسنگ نود و هشت مرحله تا بغداد ششصد
صد و نود فرسنگ هشتاد و شش مرحله تا موصل ششصد و شصت فرسنگ هشتاد و سه مرحله تا اصفهان
هفتصد و نه فرسنگ نود و نه مرحله تا دمشق پانصد و شصت فرسنگ هفتاد مرحله تا حبشه دویست و هفتاد فر
سی و چهار مرحله تا یمن هشتصد و بیست فرسنگ صد و چهار مرحله تا مصر چهارصد و ده فرسنگ پنجاه و یک مرحله
تا حلب ششصد و بیست فرسنگ هفتاد و نه مرحله تا قزوین هشتصد فرسنگ صد مرحله تا تبریز هفتصد و هشتاد
فرسنگ نود و هشت مرحله تا ارزن الروم هفتصد و پنج فرسنگ نود مرحله تا سبزوار ششصد و

نود فرسخ صد و یازده مرحله تا استرآباد هشتصد و هفتاد فرسخ صد و نه مرحله تا هرات هفتصد و
بیست فرسخ صد و پانزده مرحله تا شاخی هشتصد و چهل فرسخ صد و پنج مرحله تا تفلیس هشتصد و
شصت فرسخ صد و هشت مرحله قندهار تا مکه پانصد و پنجاه فرسخ شصت و نه مرحله تا مدینه
پانصد و چهل فرسخ شصت و هشت مرحله تا صنعا ششصد و پنجاه فرسخ هشتاد و یک مرحله تا لحسا
چهارصد و بیست فرسخ پنجاه و سه مرحله تا بصره سیصد و پنجاه فرسخ چهل و چهار مرحله تا هرمز سیصد فرسخ
سی و هشت مرحله تا شیراز دویست و هشتاد فرسخ سی و پنج مرحله تا بغداد چهارصد فرسخ پنجاه مرحله تا موصل
چهارصد و هفتاد فرسخ پنجاه و نه مرحله تا اصفهان دویست و نود فرسخ سی و شش مرحله تا دمشق پانصد و
نود فرسخ هفتاد و چهار مرحله تا حبشه هشتصد و شصت فرسخ صد و هشت مرحله تا یمن دویست و چهل فرسخ
سی مرحله تا مصر هفتصد و سی فرسخ نود و یک مرحله تا حلب پانصد و چهل فرسخ شصت و هشت مرحله
تا قزوین سیصد و ده فرسخ سی و نه مرحله تا تبریز سیصد و هشتاد فرسخ چهل و هشت مرحله تا ارزن الروم
چهارصد و هشتاد فرسخ شصت مرحله تا سبزوار دویست و چهل فرسخ سی مرحله تا استرآباد
دویست و شصت فرسخ سی و سه مرحله تا هرات صد و هفتاد فرسخ بیست و یک مرحله تا طوس صد و
ده فرسخ بیست و شش مرحله تا شاخی سیصد و شصت فرسخ چهل و پنج مرحله تا تفلیس چهارصد و ده
پنجاه و یک مرحله تا نوبه هزار و پنجاه فرسخ صد و سی و یک مرحله بخارا تا مکه پانصد و پنجاه فرسخ
شصت

شصت و نه مرحله تا مدینه پانصد و ده فرسخ شصت و چهار مرحله تا صنعا ششصد و هشتاد فرسخ هشتاد و پنج مرحله
تا لحسا چهارصد و چهل فرسخ پنجاه و پنج مرحله تا بصره سیصد و ده فرسخ سی و نه مرحله تا هرمز سیصد
شصت فرسخ چهل و پنج مرحله تا شیراز دویست و نود فرسخ سی و شش مرحله تا بغداد سیصد و بیست فرسخ
چهل مرحله تا موصل سیصد و هفتاد فرسخ چهل و شش مرحله تا اصفهان دویست و چهل فرسخ
سی مرحله تا دمشق چهارصد و هشتاد فرسخ شصت مرحله تا حبشه ششصد و چهل فرسخ صد و پنج مرحله
تا یمن دویست و بیست فرسخ بیست و هشت مرحله تا مصر ششصد و چهل فرسخ هشتاد مرحله تا حلب
چهارصد و بیست فرسخ پنجاه و سه مرحله تا قزوین دویست و ده فرسخ بیست و شش مرحله تا تبریز دویست و شصت
فرسخ سی و یک مرحله تا ارزن الروم سیصد و چهل فرسخ چهل و سه مرحله تا سبزوار صد و بیست فرسخ
پانزده مرحله تا استرآباد صد و پنجاه فرسخ نوزده مرحله تا هرات صد و چهل فرسخ هفده مرحله
تا طوس صد و بیست فرسخ پانزده مرحله تا شاخی دویست فرسخ بیست و پنج مرحله تا تفلیس دویست
سی فرسخ بیست و نه مرحله تا نوبه هزار و صد فرسخ صد و سی و هشت مرحله تا قندهار دویست فرسخ
بیست و پنج مرحله بلخ تا مکه پانصد و هشتاد فرسخ هفتاد و سه مرحله تا مدینه پانصد و شصت فرسخ
هفتاد مرحله تا صنعا ششصد و نود فرسخ هشتاد و شش مرحله تا لحسا چهارصد و شصت فرسخ
پنجاه و هشت مرحله تا بصره سیصد و شصت فرسخ چهل و پنج مرحله تا هرمز سیصد و پنجاه فرسخ

چهل و چهار مرحله تا شیراز سیصد و ده فرسنگ سی و نه مرحله تا بغداد سیصد و نود فرسنگ چهل و نه مرحله تا موصل
چهارصد و پنجاه فرسنگ پنجاه و شش مرحله تا اصفهان ولایت و نود فرسنگ سی و شش مرحله تا دمشق پانصد و
شصت فرسنگ هفتاد مرحله تا حبشه هشتصد و هشتاد فرسنگ صد و ده مرحله تا یزد ولایت و چهل فرسنگ سی مرحله
تا مصر هفتصد و ده فرسنگ هشتاد و نه مرحله تا حلب پانصد و ده فرسنگ شصت و چهار مرحله تا قزوین
ولایت و هشتاد فرسنگ سی و پنج مرحله تا تبریز سیصد و چهل فرسنگ چهل و سه مرحله تا ارزن الروم چهارصد و
سی فرسنگ پنجاه و چهار مرحله تا سبزوار ولایت فرسنگ بیست و پنج مرحله تا استرآباد ولایت و بیست و
بیست و هشت مرحله تا هرات صد و شصت فرسنگ بیست مرحله تا طوس صد و هفتاد فرسنگ بیست و یک مرحله
تا شماخی سیصد فرسنگ سی و هشت مرحله تا تفلیس سیصد و پنجاه فرسنگ چهل و چهار مرحله تا نوبه هزار و
هفتاد فرسنگ صد و سی و چهار مرحله تا قندهار صد فرسنگ سیزده مرحله تا بنگاله نود فرسنگ یازده مرحله
سومنات تا مکه پانصد و نود فرسنگ هشتاد و چهار مرحله تا مدینه ششصد و پنجاه فرسنگ
هشتاد و شش مرحله تا صنعا ششصد فرسنگ هفتاد و پنج مرحله تا لحسا پانصد فرسنگ شصت و دو مرحله
تا بصره پانصد و چهل فرسنگ شصت و هشت مرحله تا هرموز سیصد و نود فرسنگ چهل و نه مرحله تا شیراز
چهارصد و شصت فرسنگ پنجاه و هشت مرحله تا بغداد ششصد و پنج فرسنگ هفتاد و هشت مرحله تا موصل
ششصد و نود فرسنگ هشتاد و شش مرحله تا اصفهان پانصد و سی فرسنگ شصت و شش مرحله

تا دمشق

تا دمشق هفتصد و نود فرسنگ نود و نه مرحله تا حبشه هشتصد و هشت فرسنگ
تا یزد چهارصد و هشتاد فرسنگ شصت مرحله تا مصر نه صد فرسنگ صد و سیزده مرحله
تا حلب هفتصد و هفتاد فرسنگ نود و شش مرحله تا قزوین پانصد و هشتاد فرسنگ هفتاد و سه مرحله
تا تبریز ششصد و هفتاد فرسنگ هشتاد و چهار مرحله تا ارزن الروم هفتصد و پنجاه فرسنگ
نود و چهار مرحله تا سبزوار پانصد و چهل فرسنگ شصت و هشت مرحله تا استرآباد
پانصد و شصت فرسنگ هفتاد مرحله تا هرات چهارصد و هشتاد فرسنگ شصت مرحله تا طوس
پانصد و چهل فرسنگ شصت و هشت مرحله تا شماخی ششصد و هفتاد فرسنگ هشتاد و چهار
تا تفلیس هفتصد و بیست فرسنگ نود مرحله تا نوبه هزار و صد و ده فرسنگ صد و سی و نه مرحله
تا قندهار سیصد و هشتاد فرسنگ چهل و هشت مرحله تا بنگاله پانصد و شصت فرسنگ
هفتاد مرحله تا بلخ چهارصد و هفتاد فرسنگ پنجاه و نه مرحله مولتان تا مکه ششصد و سی فرسنگ
هفتاد و نه مرحله تا مدینه ششصد و سی فرسنگ هفتاد و نه مرحله تا صنعا هفتصد و بیست فرسنگ
نود مرحله تا لحسا پانصد و ده فرسنگ شصت و چهار مرحله تا بصره چهارصد و چهل فرسنگ پنجاه و
پنج مرحله تا هرموز سیصد و هشتاد فرسنگ چهل و هشت مرحله تا شیراز سیصد و هشتاد فرسنگ چهل و
هشت مرحله تا بغداد پانصد فرسنگ شصت و سه مرحله تا موصل پانصد و شصت فرسنگ

هفتاد مرحله تا صفاهان سیصد و هشتاد فرسخ چهل و هشت مرحله تا دمشق ششصد و هفتاد فرسخ
هشتاد و چهار مرحله تا حبشه نهصد و چهل فرسخ صد و هیجده مرحله تا یزد سیصد و سی فرسخ
چهل و یک مرحله تا مصر هشتصد و سی فرسخ صد و چهار مرحله تا حلب ششصد و بیست فرسخ
هفتاد و هشت مرحله تا قزوین سیصد و نود فرسخ چهل و نه مرحله تا تبریز چهارصد و هفتاد فرسخ
پنجاه و نه مرحله تا ارزن الروم پانصد و شصت فرسخ هفتاد مرحله تا سبزوار سیصد و ده فرسخ
سی و نه مرحله تا استرآباد سیصد و پنجاه فرسخ چهل و چهار مرحله تا هرات دویست و پنجاه فرسخ
سی و یک مرحله تا طوس دویست و نود فرسخ سی و شش مرحله تا شماخی چهارصد و سی فرسخ
پنجاه و چهار مرحله تا تفلیس سیصد و هشتاد فرسخ چهل و هشت مرحله تا اربیل هزار و صد و پنجاه فرسخ
صد و چهل و چهار مرحله تا قندهار نود فرسخ یازده مرحله تا بخارا دویست و پنجاه فرسخ
سی و یک مرحله تا بلخ صد و چهل فرسخ هیجده مرحله تا سومنات سیصد و هشتاد فرسخ چهل و
هشت مرحله قسطنطنیه تا مکه شش صد و چهل فرسخ هشتاد مرحله تا مدینه ششصد و
شصت فرسخ هشتاد مرحله تا صنعا هفتصد و نود فرسخ نود و نه مرحله تا لحسا شش صد و ده
شصت فرسخ هشتاد و سه مرحله تا بصره پانصد و شصت فرسخ هفتاد مرحله تا هرمز
هفتصد و ده فرسخ هشتاد و نه مرحله تا شیراز ششصد و بیست فرسخ هفتاد و هشت مرحله

تا بغداد

تا بغداد چهارصد و بیست فرسخ پنجاه و سه مرحله تا موصل سیصد و نود فرسخ چهل و نه مرحله
تا صفهان پانصد و شصت فرسخ هفتاد مرحله تا دمشق سیصد و سی فرسخ چهل و یک مرحله
تا حبشه هفتصد و سی فرسخ نود و یک مرحله تا مکه ششصد فرسخ هفتاد و پنج مرحله تا مصر سیصد و
هفتاد فرسخ چهل و شش مرحله تا حلب سیصد و بیست فرسخ چهل مرحله تا قزوین پانصد و
شصت و سه مرحله تا تبریز چهارصد و ده فرسخ پنجاه و یک مرحله تا ارزن الروم سیصد و بیست و
چهل مرحله تا سبزوار پانصد و شصت فرسخ هفتاد مرحله تا استرآباد پانصد و سی فرسخ
شصت و شش مرحله تا هرات ششصد و سی فرسخ هفتاد و نه مرحله تا طوس پانصد و
هشتاد فرسخ هفتاد و سه مرحله تا شماخی چهارصد و سی فرسخ پنجاه و چهار مرحله تا تفلیس سیصد و
هشتاد فرسخ چهل و هشت مرحله تا نوبه هفتصد و ده فرسخ نود و نه مرحله تا قندهار هفتصد و
هشتاد فرسخ نود و هشت مرحله تا بخارا ششصد و ده فرسخ هفتاد و شش مرحله تا بلخ هفتصد و
ده فرسخ هشتاد و نه مرحله تا سومنات هزار و شصت فرسخ صد و سی مرحله تا عمان ششصد و
پنجاه فرسخ هشتاد و نه مرحله بلغار تا مکه ششصد و شصت فرسخ هشتاد و سه مرحله
تا مدینه پانصد و نود فرسخ هفتاد و چهار مرحله تا صنعا هشتصد و ده فرسخ صد و یک مرحله تا لحسا
پانصد و نود فرسخ هفتاد و چهار مرحله تا بصره [illegible] فرسخ پنجاه و شش مرحله تا هرمز

پانصد و شصت فرسخ هفتاد و یک مرحله تا شیراز چهارصد و هفتاد فرسخ پنجاه و نه مرحله تا بغداد
سیصد و نود فرسخ چهل و نه مرحله تا موصل سیصد و هشتاد فرسخ چهل و هشت مرحله
تا اصفهان سیصد و نود فرسخ چهل و نه مرحله تا دمشق چهارصد و شصت فرسخ پنجاه و هشت مرحله
تا حبشه نهصد فرسخ صد و سیزده مرحله تا یزد چهارصد فرسخ پنجاه مرحله تا مصر ششصد فرسخ
هفتاد و پنج مرحله تا حلب سیصد و نود فرسخ چهل و نه مرحله تا قزوین سیصد و پنج فرسخ چهل مرحله
تا تبریز دویست و هفتاد فرسخ سی و چهار مرحله تا ارزن الروم دویست و هشتاد فرسخ سی و پنج مرحله
تا سبزوار سیصد و ده فرسخ سی و نه مرحله تا استرآباد دویست و نه فرسخ سی و شش مرحله تا هرات
سیصد و شصت فرسخ چهل و پنج مرحله تا طوس دویست و نود فرسخ سی و شش مرحله تا شماخی
دویست و ده فرسخ بیست و شش مرحله تا تفلیس صد و شصت فرسخ بیست مرحله
تا نوبه هزار فرسخ صد و بیست و پنج مرحله تا قندهار چهارصد و شصت فرسخ پنجاه و هشت مرحله
تا بخارا دویست و شصت فرسخ سی و سه مرحله تا بلخ سیصد و هفتاد فرسخ چهل و شش مرحله
تا رومات ششصد فرسخ صد مرحله تا مولتان پانصد فرسخ شصت و سه مرحله تا قسطنطنیه
چهارصد و سی فرسخ پنجاه و چهار مرحله تا کشمیر تا مکه ششصد و هفتاد فرسخ هشتاد و چهار مرحله
تا مدینه ششصد و ده فرسخ هفتاد و شش مرحله تا صنعا هفتصد و هفتاد فرسخ نود و شش مرحله

تالی

تا لحسا پانصد و پنجاه فرسخ شصت و نه مرحله تا بصره چهارصد و هفتاد فرسخ پنجاه و نه مرحله
تا هرمز چهارصد و بیست فرسخ پنجاه و سه مرحله تا شیراز چهارصد فرسخ پنجاه و پنج مرحله
تا هرمز چهارصد و بیست فرسخ تا بغداد پانصد و ده فرسخ شصت و چهار مرحله تا موصل
پانصد و هفتاد فرسخ هفتاد و یک مرحله تا اصفهان چهارصد فرسخ پنجاه مرحله تا دمشق ششصد و
هشتاد فرسخ هشتاد و پنج مرحله تا حبشه نهصد و هفتاد فرسخ صد و بیست و یک مرحله تا یزد سیصد و
پنجاه فرسخ چهل و چهار مرحله تا مصر هشتصد و هشتاد فرسخ صد و ده مرحله تا حلب ششصد و
سی فرسخ هفتاد و نه مرحله تا قزوین چهارصد و ده فرسخ پنجاه و یک مرحله تا تبریز چهارصد و هشتاد فرسخ
شصت مرحله تا ارزن الروم پانصد و شصت فرسخ هفتاد مرحله تا سبزوار سیصد و بیست فرسخ
چهل مرحله تا استراباد سیصد و پنجاه فرسخ چهل و چهار مرحله تا هرات دویست و هفتاد فرسخ
سی و چهار مرحله تا طوس دویست و نود فرسخ سی و شش مرحله تا شماخی چهارصد و بیست فرسخ
پنجاه و سه مرحله تا تفلیس چهارصد و هشتاد فرسخ پنجاه و نه مرحله تا نوبه هزار و صد و هفتاد فرسخ
صد و چهل و شش مرحله تا قندهار صد و بیست فرسخ پانزده مرحله تا بخارا دویست و سی فرسخ
بیست و نه مرحله تا بلخ صد و سی فرسخ شانزده مرحله تا رومات چهارصد و بیست فرسخ پنجاه و سه مرحله
تا ملتان شصت فرسخ هشت مرحله تا قسطنطنیه هشتصد و سی فرسخ صد و چهار مرحله تا بلغار

تا بلغار چهارصد و هشتاد فرسخ صد و نه مرحله ختن تا مکه هفتصد و ده فرسخ هشتاد
نه مرحله تا مدینه ششصد و هشتاد فرسخ هشتاد و پنج مرحله تا صنعا هشتصد و سی فرسخ
صد و چهار مرحله تا لحسا ششصد و سی فرسخ هفتاد و پنج مرحله تا بصره پانصد فـ
شصت و سه مرحله تا هرموز پانصد و ده فرسخ شصت و چهار مرحله تا شیراز چهارصد و
پنجاه فرسخ پنجاه و شش مرحله تا العبدالله پانصد و ده فرسخ شصت و چهار مرحله تا موصل
پانصد و پنجاه فرسخ شصت و نه مرحله تا اصفهان چهارصد و بیست فرسخ پنجاه و سه مرحله
تا دمشق ششصد فرسخ هشتاد و سه مرحله تا حبشه هزار و دویست فرسخ صد و پنجاه و
هشت مرحله تا یزد سیصد و هشتاد فرسخ چهل و هشت مرحله تا مصر هشتصد و ده فرسخ
صد و یک مرحله تا حلب پانصد و نود فرسخ هفتاد و چهار مرحله تا قزوین سیصد و هشتاد فـ
چهل و هشت مرحله تا تبریز چهارصد و سی فرسخ پنجاه و چهار مرحله تا ارزن الروم پانصد و پنج
شصت و چهار مرحله تا سبزوار سیصد و ده سی و نه مرحله تا استراباد سیصد و سی فرسخ
چهل و یک مرحله تا هرات سیصد فرسخ سی و هشت مرحله تا طوس دویست و هشتاد
فرسخ سی و پنج مرحله تا شماخی سیصد و هفتاد فرسخ چهل و شش مرحله تا تفلیس سیصد و هشتاد و
چهل و هشت مرحله تا قندهار دویست و چهل فرسخ سی مرحله تا بخارا صد و نود فرسخ

بهن

بیست و چهار مرحله تا بلخ صد و شصت فرسخ بیست مرحله تا سومنات پانصد و هشتاد فرسخ
هفتاد و سه مرحله تا ملتان دویست و بیست فرسخ بیست و هشت مرحله تا قسطنطنیه هفتصد و
چهل فرسخ نود و سه مرحله تا بلغار سیصد و چهل فرسخ چهل و سه مرحله تا کشمیر صد و هشتاد و
بیست و یک مرحله اگره تا مکه هفتصد و سی فرسخ نود و یک مرحله تا مدینه هفتصد و پنجاه فر
نود و چهار مرحله تا صنعا هشتصد فرسخ صد مرحله تا لحسا ششصد و هفتاد و شش مرحله تا
بصره پانصد و هشتاد فرسخ هفتاد و سه مرحله تا هرموز چهارصد و نود فرسخ شصت و یک مرحله
تا شیراز پانصد و ده فرسخ شصت و چهار مرحله تا العبدالله شش صد و چهل فرسخ هشتاد مرحله
تا موصل هفتصد فرسخ هشتاد و هشت مرحله تا اصفهان پانصد و سی فرسخ شصت و
شش مرحله تا دمشق هشتصد و بیست فرسخ صد و سه مرحله تا حبشه هزار و سی فرسخ
صد و بیست و نه مرحله تا یزد چهارصد و هشتاد فرسخ شصت مرحله تا مصر نهصد و هفتاد فرسخ
صد و بیست و یک مرحله تا حلب هفتصد و هشتاد فرسخ نود و هشت مرحله تا قزوین پانصد و
شصت فرسخ هفتاد مرحله تا تبریز شش صد و سی فرسخ هفتاد و نه مرحله تا ارزن الروم هفتصد و
بیست فرسخ نود مرحله تا سبزوار چهارصد و هشتاد فرسخ شصت مرحله تا استراباد پانصد و ده فر
شصت و چهار مرحله تا هرات چهارصد و ده فرسخ پنجاه و یک مرحله تا طوس چهارصد و

شصت فرسنگ پنجاه و هشت مرحله تا شماخی ششصد فرسنگ هشتاد و پنج مرحله تا تفلیس ششصد و
پنجاه فرسنگ هشتاد و یک مرحله تا نوبه هزار و دویست و شصت فرسنگ صد و پنجاه و هشت مرحله
تا قندهار دویست و پنجاه فرسنگ سی و یک مرحله تا بخارا چهارصد و سی فرسنگ پنجاه و
چهار مرحله تا بلخ سیصد و بیست فرسنگ چهل مرحله تا سومنات دویست و پنجاه فرسنگ سی و یک مرحله
تا مولتان صد و هشتاد فرسنگ بیست و سه مرحله تا قسطنطنیه هزار فرسنگ صد و بیست و پنج مرحله تا بغداد
ششصد و شصت فرسنگ هشتاد و سه مرحله تا کشمیر دویست و ده فرسنگ بیست و شش مرحله تا ختن
سیصد و شصت فرسنگ چهل و پنج مرحله قلبت تا مکه هفتصد و چهل فرسنگ نود و سه مرحله تا مدینه
هفتصد و ده فرسنگ هشتاد و نه مرحله تا صنعا ششصد و شش فرسنگ صد و هشت مرحله تا لحسا
ششصد و بیست فرسنگ هفتاد و هشت مرحله تا البصره پانصد و سی فرسنگ شصت و شش مرحله
تا هرمز پانصد و بیست فرسنگ شصت و پنج مرحله تا شیراز چهارصد و هشتاد فرسنگ شصت مرحله تا ابرقوه
پانصد و پنجاه فرسنگ شصت و نه مرحله تا موصل ششصد فرسنگ هفتاد و پنج مرحله تا اصفهان چهارصد و
شصت فرسنگ پنجاه و هشت مرحله تا دمشق هفتصد فرسنگ هشتاد و هشت مرحله تا حبشه
هزار و پنجاه فرسنگ صد و سی و یک مرحله تا یزد چهارصد و ده فرسنگ پنجاه و یک مرحله تا مصر هشتصد و شصت ف
صد و هشت مرحله تا حلب ششصد و پنجاه فرسنگ هشتاد و یک مرحله تا قزوین چهارصد و سی فرسنگ

بنجاه

پنجاه و چهار مرحله تا تبریز چهارصد و نود فرسنگ شصت و یک مرحله تا ارزن الروم پانصد و شصت فرسنگ هفتاد مرحله
تا سبزوار سیصد و شصت فرسنگ چهل و پنج مرحله تا استراباد سیصد و هشتاد فرسنگ چهل و هشت مرحله
تا هرات سیصد و سی فرسنگ چهل و یک مرحله تا طوس سیصد و بیست فرسنگ چهل مرحله تا شماخی چهارصد و
بیست فرسنگ پنجاه و سه مرحله تا تفلیس چهارصد و پنجاه فرسنگ پنجاه و شش مرحله تا نوبه هزار و دویست و
سی فرسنگ صد و پنجاه و چهار مرحله تا قندهار دویست و بیست فرسنگ بیست و هشت مرحله تا بخارا دویست و
چهل فرسنگ سی مرحله تا بلخ صد و هشتاد فرسنگ بیست و سه مرحله تا سومنات پانصد و چهل و
شصت و هشت مرحله تا مولتان صد و هفتاد فرسنگ بیست و یک مرحله تا قسطنطنیه هشتصد و ده فرسنگ
صد و یک مرحله تا بغداد چهارصد و بیست فرسنگ پنجاه و سه مرحله تا کشمیر صد و بیست فرسنگ پانزده مرحله
تا ختن هفتاد فرسنگ نه مرحله تا اگره سیصد فرسنگ سی و هشت مرحله قرطبه دار الملک اندلس
تا مکه ششصد و سی فرسنگ هشتاد و نه مرحله تا مدینه هفتصد و شصت فرسنگ نود و پنج مرحله تا صنعا صد و
بیست فرسنگ صد و پانزده مرحله تا لحسا نهصد و ده فرسنگ صد و چهارده مرحله تا البصره هشتصد و
هشتاد فرسنگ صد و نه مرحله تا هرمز نهصد و هشتاد فرسنگ صد و بیست و یک مرحله تا شیراز نهصد و چهل و
صد و پنج مرحله تا ابرقوه هفتصد و هشتاد فرسنگ نود و هشت مرحله تا موصل هفتصد و ف
هشتاد و نه مرحله تا اصفهان نهصد فرسنگ صد و سیزده مرحله تا دمشق ششصد فرسنگ هفتاد و

پنج مرحله تا جنت هفتصد و سی فرسخ نود و یک مرحله تا بلخ نهصد و پنجاه فرسخ صد و نوزده مرحله تا
مصر پانصد فرسخ شصت و سه مرحله تا حلب ششصد و پنجاه فرسخ هشتاد و سه مرحله تا قزوین
هشتصد و هفتاد فرسخ صد و نه مرحله تا تبریز هفتصد و نود فرسخ نود و نه مرحله تا ارزن الروم ششصد و نود فر[سخ]
هشتاد و شش مرحله تا سبزوار نهصد و چهل فرسخ صد و پنجاه مرحله تا استرآباد نهصد و ده فرسخ صد و چهار[ده]
تا هرات هزار فرسخ صد و بیست و پنج مرحله تا طوس نهصد و هفتاد فرسخ صد و بیست و یک مرحله تا شماخی
هشتصد و سی فرسخ صد و چهار مرحله تا تفلیس هشتصد فرسخ صد مرحله تا نوبه پانصد و شصت فرسخ
هفتاد مرحله تا قندهار هزار نهصد و هفتاد فرسخ صد و چهل و شش مرحله تا بخارا هزار و پنج فرسخ
صد و بیست و هشت مرحله تا بلخ هزار و صد و پنج فرسخ صد و چهل مرحله تا سومنات هزار و سیصد و هشتاد
صد و هفتاد و سه مرحله تا مولتان هزار و صد و بیست و پنجاه فرسخ صد و پنجاه و شش مرحله تا قسطنطنیه چهارصد
پنجاه فرسخ پنجاه و شش مرحله تا بلغار هشتصد و شصت فرسخ صد و هشت مرحله تا کشمیر هزار و
دویست و پنجاه فرسخ صد و پنجاه و شش مرحله تا ختن هزار و صد و هفتاد فرسخ صد و چهل و شش مرحله
تا اکره هزار و چهارصد و ده فرسخ صد و هفتاد و شش مرحله تا تبت هزار و دویست و چهل فرسخ
صد و پنجاه مرحله خان بالغ تا مکه نهصد و نود فرسخ صد و بیست و چهار مرحله تا مدینه نهصد و شصت فر[سخ]
صد و بیست مرحله تا صنعا هزار و صد فرسخ صد و سی و هشت مرحله تا لحسا هشتصد و هفتاد فرسخ

صد و ده

صد و نه مرحله تا بصره هشتصد و شصت فرسخ نود و پنج مرحله تا هرموز هفتصد و پنجاه فرسخ نود و چهار مرحله تا شیراز
هفتصد و بیست فرسخ نود مرحله تا بغداد هفتصد و هشتاد فرسخ نود و هشت مرحله تا همدان ششصد و
بیست فرسخ صد و سه مرحله تا اصفهان ششصد فرسخ هشتاد و شش مرحله تا دمشق نهصد و سی فرسخ
صد و شانزده مرحله تا حبشه هزار و سیصد فرسخ صد و شصت و سه مرحله تا یمن ششصد و شصت فرسخ
هشتاد و سه مرحله تا مصر هزار و نود فرسخ صد و سی و شش مرحله تا حلب هشتصد و شصت فرسخ صد و بیست
تا قزوین ششصد و هشتاد فرسخ هشتاد و پنج مرحله تا تبریز هفتصد فرسخ هشتاد و هشت مرحله تا ارزن الروم
هفتصد و شصت فرسخ نود و پنج مرحله تا استرآباد ششصد و ده فرسخ هفتاد و شش مرحله تا هرات
پانصد و هفتاد فرسخ هفتاد و یک مرحله تا طوس پانصد و شصت فرسخ هفتاد مرحله تا شماخی
ششصد و چهل فرسخ هشتاد مرحله تا تفلیس ششصد و پنجاه فرسخ هشتاد و سه مرحله تا نوبه هزار و
چهارصد و هفتاد فرسخ صد و هشتاد و چهار مرحله تا قندهار چهارصد و هفتاد فرسخ پنجاه و نه مرحله تا بلخ
چهارصد و بیست فرسخ پنجاه و سه مرحله تا سومنات هفتصد و ده فرسخ هشتاد و نه مرحله تا مولتان
چهارصد فرسخ پنجاه مرحله تا قسطنطنیه نهصد و هشتاد فرسخ صد و بیست و سه مرحله تا بلغار پانصد و
شصت فرسخ هفتاد مرحله تا کشمیر سیصد و پنجاه فرسخ چهل و چهار مرحله تا ختن دویست و نود فرسخ
سی و شش مرحله تا اگره چهارصد و سی فرسخ پنجاه و چهار مرحله تا تبت دویست و پنجاه فرسخ

سی و یک مرحله تا اندلس هزار و چهارصد و ده فرسخ صد و هفتاد و شش مرحله دار الملک چین تا مکه
هزار و صد و پنجاه فرسخ صد و چهل مرحله تا مدینه هزار و صد و شصت فرسخ صد و چهل و پنج مرحله
تا صنعا هزار و صد و هشتاد فرسخ صد و چهل و هشت مرحله تا [illegible] هزار و دویست فرسخ صد و پنجاه و
هشت مرحله تا بصره نهصد و نود فرسخ صد و پنج و چهار مرحله تا هرموز هشتصد و نود و پنج فرسخ صد و یازده
تا شیراز نهصد و پنج فرسخ صد و پانزده مرحله تا بغداد هزار و شصت فرسخ صد و سی و سه مرحله تا [illegible]
هزار و صد و پنج فرسخ صد و چهل و پنج مرحله تا اصفهان نهصد و پنجاه فرسخ صد و نوزده مرحله تا دمشق
هزار و دویست و چهل فرسخ صد و پنجاه و پنج مرحله تا حبشه هزار و چهارصد و چهل فرسخ صد و هشتاد مرحله
تا یزد هشتصد و نود فرسخ صد و یازده مرحله تا مصر هزار و سیصد و نود فرسخ صد و هفتاد و چهار مرحله
تا حلب هزار و صد و نود فرسخ صد و چهل و نه مرحله تا قزوین نهصد و شصت فرسخ صد و پنج مرحله تا تبریز
هزار و چهل فرسخ صد و سی مرحله تا ارزن الروم هزار و صد و پنج فرسخ صد و چهل مرحله تا سبزوار هشتصد و
هشتاد فرسخ صد و ده مرحله تا استرآباد نهصد و ده فرسخ صد و چهارده مرحله تا هرات هشتصد و ده فرسخ
صد و یک مرحله تا طوس هشتصد و پنجاه فرسخ صد و شش مرحله تا شماخی نهصد و نود فرسخ صد و پنج و
چهار مرحله تا تفلیس هزار و پنج فرسخ صد و بیست و هشت مرحله تا نوبه هزار و ششصد و هشتاد فرسخ
دویست و ده مرحله تا قندهار ششصد و هفتاد فرسخ هشتاد و چهار مرحله تا بخارا هشتصد و

فرسخ صد و

صد و نه مرحله تا بصره هفتصد و شصت فرسخ نود و پنج مرحله تا هرموز هفتصد و پنجاه فرسخ نود و چهار مرحله
تا شیراز هشتصد و پنج مرحله نود مرحله تا بغداد هشتصد و هشتاد فرسخ و هشت مرحله تا [illegible]
ششصد و پنج فرسخ صد و سه مرحله تا اصفهان ششصد فرسخ هشتاد و شش مرحله تا دمشق نهصد و
سی فرسخ صد و شانزده مرحله تا حبشه هزار و سیصد فرسخ صد و شصت و سه مرحله تا یزد ششصد و
شصت فرسخ هشتاد و سه مرحله تا مصر هزار و نود فرسخ صد و سی و شش مرحله تا حلب هشتصد و
شصت فرسخ صد و هشت مرحله تا قزوین ششصد و هشتاد فرسخ هشتاد و پنج مرحله تا تبریز هفتصد و
هفتصد و فرسخ هشتاد و هشت مرحله تا ارزن الروم هفتصد و شصت فرسخ نود و پنج مرحله تا استرآباد
ششصد و ده فرسخ هفتاد و شش مرحله تا هرات پانصد و هفتاد فرسخ هفتاد و یک مرحله تا طوس پانصد و
شصت فرسخ هفتاد مرحله تا تفلیس ششصد و پنجاه فرسخ هشتاد و سه مرحله تا نوبه هزار و چهارصد و
هفتاد فرسخ صد و چهار مرحله تا قندهار چهارصد و هشتاد فرسخ شصت مرحله تا بخارا چهارصد و هفتاد فرسخ
پنجاه و نه مرحله تا بلخ چهارصد و پنج فرسخ پنجاه و سه مرحله تا سومنات هفتصد و ده فرسخ هشتاد و
نه مرحله تا ملتان چهارصد فرسخ پنجاه مرحله تا قسطنطنیه نهصد و هشتاد فرسخ صد و پنج و سه مرحله
تا بلغار پانصد و شصت فرسخ هفتاد مرحله تا کشمیر سیصد و پنجاه فرسخ چهل و چهار مرحله تا ختن سیصد و
نود فرسخ سی و شش مرحله تا اگره چهارصد و سی فرسخ پنجاه و چهار مرحله تا تبت دویست و پنجاه فرسخ

ری یک مرحله تا ابرس هزار و چهار صد و فرسخ صد و هفتاد و شش مرحله دار الملک حلب تا مکه هزار و صد
پنج و فرسخ چهل و چهار مرحله تا مدینه هزار و صد و شصت فرسخ صد و چهل و پنج مرحله تا صنعا هزار و
صد و هشتاد فرسخ صد و چهل و هشت مرحله تا لحسا هزار و دویست فرسخ صد و بیست و هشت مرحله
تا بصره نهصد و نود فرسخ صد و بیست و چهار مرحله تا هرموز هشتصد و نود و پنج فرسخ صد و پانزده مرحله
تا شیراز نهصد و بیست فرسخ صد و پانزده مرحله تا بغداد هزار و شصت فرسخ صد و سی و سه مرحله تا مشهد
هزار و صد و بیست فرسخ صد و چهل و پنج مرحله تا اصفهان نهصد و پنجاه فرسخ صد و نوزده مرحله تا دمشق هزار و
دویست و چهل فرسخ صد و پنجاه و پنج مرحله تا حبشه هزار و چهار صد فرسخ صد و هشتاد مرحله تا یزد هشت
صد و نود فرسخ صد و بیست و نه مرحله تا مصر هزار و سیصد و نود فرسخ صد و هفتاد و چهار مرحله تا حلب هزار و
صد و نود فرسخ صد و چهل و نه مرحله تا قزوین نهصد و شصت فرسخ صد و بیست
صد مرحله تا بلخ هفتصد فرسخ هشتاد و هشت مرحله تا سومنات ششصد و ده فرسخ هفتاد و شش مرحله
تا مولتان پانصد و هشتاد فرسخ هفتاد و سه مرحله تا قسطنطینیه هزار و سیصد و نود فرسخ صد و هفتاد و
چهار مرحله تا بلغار نهصد و نود فرسخ صد و بیست و چهار مرحله تا کشمیر پانصد و هشتاد فرسخ
هفتاد و سه مرحله تا ختن ششصد و هفتاد فرسخ هشتاد و چهار مرحله تا کره چهارصد و سی فرسخ
پنجاه و چهار مرحله تا تبت شش صد فرسخ هفتاد و پنج مرحله تا ابرس هزار و هشتصد و ده فرسخ

ابر

بیست و پنج و شش مرحله سراندیب تا مکه هزار و صد و چهل فرسخ صد و چهل و سه مرحله تا مدینه
هزار و صد و هشتاد فرسخ چهل و پنج مرحله تا صنعا هزار و صد و سی فرسخ صد و چهل و یک مرحله تا لحسا هزار و سی فرسخ
صد و بیست و نه مرحله تا بصره هزار و پنجاه فرسخ صد و سی و یک مرحله تا هرموز نهصد و پنج فرسخ صد و پانزده مرحله
تا شیراز نهصد و هشتاد فرسخ صد و بیست و سه مرحله تا بغداد هزار و صد و سی فرسخ صد و چهل و یک مرحله
تا موصل هزار و دویست فرسخ صد و پنجاه مرحله تا اصفهان هزار و بیست فرسخ صد و بیست و هشت مرحله
تا دمشق هزار و سیصد و بیست فرسخ صد و شصت و پنج مرحله تا حبشه هزار و چهار صد فرسخ صد و هفتاد و پنج مرحله
تا یزد نهصد و هفتاد فرسخ صد و بیست و یک مرحله تا مصر هزار و چهار صد فرسخ صد و هشتاد مرحله تا حلب هزار و
دویست و هشتاد فرسخ صد و شصت مرحله تا قزوین هزار و شصت فرسخ صد و سی و سه مرحله تا تبریز هزار و
صد و چهل فرسخ صد و چهل و سه مرحله تا ارزن الروم هزار و دویست و سی فرسخ صد و پنجاه و چهار مرحله
تا استرآباد هزار و بیست فرسخ صد و بیست و هشت مرحله تا هرات هفتصد و بیست فرسخ صد و پانزده مرحله
تا طوس نهصد و هشتاد فرسخ صد و بیست و سه مرحله تا شماخی هزار و صد و ده فرسخ صد و سی و نه مرحله
تا تفلیس هزار و صد و بیست فرسخ صد و چهل و سه مرحله تا نوبه هزار و ششصد و شصت فرسخ دویست و هشت
تا قندهار هفتصد و هفتاد فرسخ نود و شش مرحله تا بخارا نهصد و پنجاه فرسخ صد و نوزده مرحله تا بلخ هشت
صد و چهل فرسخ صد و پنج مرحله تا سومنات نهصد و شصت فرسخ صد و بیست مرحله تا مولتان هفتصد و

ده فرسخ هشتاد و نه مرحله تا قسطنطنیه هزار و پانصد و چهل فرسخ صد و نود و سه مرحله تا بلغار

هزار و هشتاد فرسخ صد و چهل و هشت مرحله تا کشمیر هفتصد و پنج فرسخ نود مرحله تا ختن

هشتصد و شصت فرسخ صد و هفت مرحله تا آگره پانصد و چهل فرسخ شصت و هشت مرحله تا

تبت هفتصد و نود فرسخ نود و نه مرحله تا اندلس هزار و نهصد و ده فرسخ دویست و سی و نه مرحله

تا خانبالغ هشتصد و نود فرسخ نود و نه مرحله تا چین سیصد و ده فرسخ سی و نه مرحله حسب الامر

مطاع لازم الاتباع جناب مستطاب نخبة اهل الفضل و الکمال

و قبلة الاقران و الامثال المتوسل بوسائل التقوی و الیه

و المتمسک بالصلاح الفضل و الارشاد جامع الفضائل

و الکمالات و منبع الاحسان و الافضال

الحاج حاجی میرزا [illegible] دام ظله

حررها عبد الغفار غفر الله

۱۲۹۵

سنه